

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۶۵ برابر ۲۰ اکتبر ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۲۹

مذاکرات ریکیاویک به نتیجه نرسید

ریگان فقط "جنگ ستارگان" را می خواهد

مذاکرات ریکیاویک به توافق جامع درباره قطع کارباجف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی و رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا پیرامون خلع سلاح در ریکیاویک پایتخت ایسلند به نتیجه مطلوب نرسید. با اینکه پیشنهادی سازنده و شجاعانه رهبری شوروی در این مذاکرات، طرفین را به توافقی جامع درباره قطع مسابقه تسلیحاتی، آغاز خلع سلاح اتمی و جلوگیری از نظامی کردن کیهان بسیار نزدیک کرده بود، پافشاری ریگان بر پیشبرد برنامه "جنگ ستارگان" به هر قیمت، گفتگوهای ریکیاویک را بی نتیجه گذاشت.

بقیه در صفحه ۱۲

فصلی از کتاب :

حزب همانگونه که هست

وحدت و مبانی آن

نوشته: آ. لار و کونیهال
دبیر کل حزب کمونیست پرترغال
در صفحه ۹

تظاهرات در تهران

این تظاهرات ادامه پروتست مردم از رژیم، به صورت تظاهرات ۱۷ مهر و ۲۰ آذر ۶۳ و روزگناه امجدیه بود

تهران، جمعه ۱۸ مهر - به دنبال برگزاری یک مسابقه فوتبال در ورزشگاه آزادی، بر زمینه نفرت عمومی مردم از رژیم خمینی، ناراضیاتی شدید ورزشکاران و ورزشدوستان، و مسایلی که در هفته های اخیر در مجامع ورزشی کشور پیش آمده، تظاهراتی در تهران صورت گرفت که بازتاب وسیعی در کشور یافت. این تظاهرات ادامه اپرا زخم جوانان در شکل حرکت های گسترده اعتراضی در ۱۷ مهر و ۲۰ آذر سال ۶۳ در ورزشگاه امجدیه بود. جوانان شعار مرگ بر خمینی سر داده و علی رغم یورش نیروهای سرکوبگر توانستند با مقاومت دلیرانه خود مجتمع باقی مانده و به صورت چندین دسته پر شمار شعارهای خود را به داخل شهر ببرند. تظاهرات به دنبال مسابقه دو تیم پرسپولیس و ملوان صورت گرفت. از آغاز مسابقه زمینه های بروز حرکت محسوس بود. شعارهای تماشاچیان از ابتدا جهت دار بود. پس از پایان مسابقه، جمعیت انبوهی که از ورزشگاه خارج می شد با این موضوع مواجه گردید که برای انتقال آن ها به شهر، شرکت واحد اتوبوسی اختصاص نداده است. جمعیت که در خروجی ورزشگاه آزادی اجتماع کرده بودند و همچنان شعارهای معنی داری در حمایت از تیم محبوب خود می دادند و مسئولین ورزشی را می کوبیدند، به تدریج شعارهای خود را عوض کرده و مستقیماً رژیم را نشانه گرفتند. آن ها به صورت پیاده به سوی شهر راه افتادند و دم به دم شعارهای خود را آتشین تر ساختند. در حالی که ارکان های سرکوبگر رژیم سراسیمه به آنان هجوم آورده بودند،

آن ها شعار مرگ بر خمینی را تکرار می کردند. نیروهای سرکوبگر به تیراندازی رو آوردند و تعدادی را مجروح ساختند. ده ها تن از تظاهرکنندگان دستگیر گردیدند که از سرنوشت آن ها تاکنون اطلاعی در دست نیست.

تظاهرات ۱۸ مهر یک بار دیگر نشان داد که نفرت عمیق مردم از رژیم خمینی به مجرد پدید آمدن زمینه های مهیا برای بروز، چه جلوه پرتنگی دارد. اعدام ها و دستگیری های فزون از شمار و مجموعه تهیدات پلیسی و امنیتی، هیچ یک قادر نیستند سدره فوران خشم خلقی گردند. در این میان، همواره این مردمند که رژیم و ارکان های امنیتی رتکارانش را غافلگیر می کنند. رژیم گمان می برد بقیه در صفحه ۲

قطعه نامه یازدهمین کنگره جهانی سندیکاها درباره جنگ ایران و عراق

یازدهمین کنگره جهانی سندیکاها از ۱۶ تا ۲۲ سپتامبر در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان برگزار گردید. ما، در شماره ۱۲۶ نشریه اکثریت، گزارش مشروحی از جریان برگزاری این کنگره منتشر کردیم. در کنگره جهانی سندیکاها، تنه نامه ای نیز در محکومیت جنگ ایران و عراق صادر شد. متن این قطعه نامه چنین است:

۱ - یازدهمین کنگره جهانی سندیکاها، که از ۱۶ تا ۲۲ سپتامبر در پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان برگزار گردید، نگرانی عمیق خود را از ادامه جنگ ایران و عراق، که وارد هفتمین سال خود می شود، جنگی که باعث تلفات عظیم انسانی و مادی در هر دو کشور گشته است، ابراز می دارد. بقیه در صفحه ۱۲

کردستان: رنجی سه گانه

چهره شهرهای کردستان

شهرهای کردستان، به شهرهای اشغال شده می مانند. در خیابان ها گشت های مختلف در حرکتند. جوانان تنها با توجیهات قرص و محکم می توانند در سطح شهر حرکت کنند. برای دستگیری کردن جوانان به اندازه کافی بهانه وجود دارد. دست کم به این بهانه می توان متوسل شد که جوانان کرد از رفتن به سربازی و شرکت در جنگ ارتجاعی امتناع می ورزند. آغوش پیشمرگه ها به روی جوانانی که از رفتن به سربازی خودداری کرده و به کوه پناه می برند، باز است. آن ها به پیشمرگه ها می پیوندند.

سربازان غیر کرد نیز در کردستان، با امتناع از شرکت در جنگ، در آغوش خلق کرد پناه می جویند. در اوایل اسما به دنبال یک حمله عراق تعداد چشمگیری سربازان منطقه اشویه چپه را ترک کرده و بقیه در صفحه ۲

کردستان، کردستان است. کردستان بخشی از کشور رنج دیده ماست. کردستان یک منطقه جنگی است. هر یک از این سه خصوصیت، رنج ها و ستم های بی شماری را با خود دارند. کردستان سرکوب می شود، از آثرو که کردستان است، از آثرو که مظهر ستم ملی است، از آثرو که برای برانداختن این ستم به پا خاسته است. بر رنجی که خلق کرد به عنوان خلقی تحت ستم می کشد، رنج سترک ناشی از حاکمیت یک رژیم قرون وسطایی خورنیز که رنج مشترک همه خلقهای کشور ماست، افزوده گشته است. همه جا عرضه سرکوبگری و خورنیزی است، در همه جا ستم سرمایه پیداد می کند، همه جای ایران از فقر، کرسنگی، بیکاری و دیگر مظاهر فلاکت اقتصادی رنج می کشد. اما این رنج ها و ستم ها در کردستان مضاعف می شوند. و بالاخره کردستان یک منطقه جنگی است. در جوار عراق قرار دارد و آتش جنگ مستقیماً پیکرش را می سوزاند.

در این شماره

• طنین فریاد مرگ بر جنگ
در پهنه گیتی

در صفحه ۶

• آغاز خروج نیروهای شوروی
از افغانستان

در صفحه ۱۲

• کنگره جهانی بمناسبت
سال بین المللی صلح

در صفحه آخر

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

تظاهرات در تهران

بقیه از صفحه اول

دیگر ورزشگاه‌ها را به کنترل خود درآورده است و می‌تواند جلوی تکرار تظاهرات اتی‌مانند و تظاهرات برجسته سال ۶۲ را بگیرد اما جوانان پرشور و رزمجو نشان دادند که رژیم کور خوانده است. در قلب آن‌ها خشم و نفرت انباشته‌تر از آن است که مشتی‌پاسدار ۲۵ به دست بتوانند از فوران آن در هنگام بروز عینی مناسب، جلوگیری کنند.

زمینه مشخص تظاهرات ۱۸ مهر را لهریز شدن کاسه صبر ورزش‌دوستان از غدارمندی‌ها، سرکوبگری‌ها و شکست آفرینی‌های مسئولین رژیم در زمینه ورزش تشکیل می‌داد. استعفای ۱۴ تن از بازیکنان تیم ملی فوتبال به دنبال بازگشت از سئول، عق‌بحران در فضای ورزشی ایران را به نمایش گذاشت. ورزشکاران تیم ملی استعفا دادند تا نشان دهند حاضر نیستند حکومت نظامی مرتجعین در پهنه ورزش را تحمل کنند. شاکامی‌های پیاپی درمیادین ورزشی، فقدان امکانات، سوءاستفاده‌های مسئولین، نشان دادن مشتی‌قلدر بی‌شعور بر تخت ریاست فدراسیون‌ها و تفتیش عقیده، پیگرد و جاسوسی و دستگیری در میان ورزشکاران، نفرت عمیقی را نسبت به رژیم در میان ورزشکاران و ورزش‌دوستان پدید آورده است که بر افشار عمومی آنان از حکومت افزوده گشته است. این نفرت در ۱۷ مهر ۶۲ در ورزشگاه امجدیه نمود آشکاری یافت. ۱۵ روز بعد جوانان ورزش‌دوست در تظاهرات دیگری مجدداً خشم خود را علنی ساختند. پس از این تظاهرات مسئولین رژیم بیش از ۸ ماه جلوی مسابقات باشگاه‌های دسته اول تهران را گرفتند، وقتی هم که ناچار شدند بازی‌های فوتبال را از حالت تعطیل درآورند، به هزار تمهید امنیتی متوسل شدند تا بتوانند ورزشگاه‌ها را تحت کنترل داشته باشند.

تظاهرات ۱۷ مهر ۶۲ تظاهرات ۲۲ آذر را به دنبال داشت. این تظاهرات در شهرستان‌ها نیز تکرار شد. واکنش رژیم فقط بی‌آبرویی بیشتری به همراه آورد. تظاهرات ۱۸ مهر نیز باز تکرار خواهد شد و باز تمهیدات امنیتی رژیم، حکومت را رسواتر خواهد ساخت. جوانان در این میدان گل‌های درخشانی به رژیم زده‌اند. در آینده نیز شاهد حملات درخشان دیگری از سوی آنان خواهیم بود.

کردستان: رنجی سه‌گانه

بقیه از صفحه اول

عسدتابه‌نقده پناه آوردند. مامورین و دژبان‌ها در شهر به کشت برداختند تا آنان را دستگیر کنند. اهالی شهر سربازان فراری را به داخل خانه خود پناه داده، به آن‌ها لباس مبدل دادند. آن‌ها بدین وسیله توانستند از چنگ مامورین رژیم بگریزند.

برخی از شهرهای کردستان، همچون بانه و مریوان چهره یک پادگان را به خود گرفته‌اند. رهگذران عادی کمتر به چشم می‌خورند. ارتشی و پاسدار، نفربرها و کامیون‌های نظامی، این‌ها عناصر اصلی تصویری است که از بانه و مریوان در چشم می‌نشیند. در سنندج، سقز و مهاباد، عبور پی در پی گشتی‌های تارال‌ه چشم را می‌آزارد. شهربانی‌ها نیز برای پیگرد نیروهای انقلابی

که پیگرد و سرکوب در درون شهرها آهنگ بی‌وقفه‌ای دارد، آن‌ها را به محاصره امنیتی نیز درآورده‌اند تا بدون کنترل پلیسی کسی از شهر خارج نشده و یا به شهر داخل نشود. بعد از استقرار "گلوگاه‌های امنیتی"، کنترل شدت یافته است. در شمال کردستان دو محور مهم راه نقده و راه میان‌دوآب را شدیداً زیر کنترل قرار داده‌اند. در جنوب نیز محاصره سنندج را شدت بخشیده‌اند. علی‌رغم این تمهیدات در داخل و خارج شهرها، مبارزه کاستی نگرفته است. تداوم مبارزه مردم کردستان از شکل‌های صنفی گرفته - هم چون اعتصاب تاکسی‌رانان نقده در اردیبهشت ماه - تا حرکت‌های سیاسی - نظامی پیشمرگان، حاکی از پتانسیل عظیم خلق کرد برای پیشبرد مبارزه در سخت‌ترین شرایط است.



آموزش نظامی و تسلیح اجباری

از آغاز بهار امسال، فشار بر روی روستاییان برای تسلیح آنان افزایش گرفته است. رژیم مقرر کرده است که در همه روستاها، ده درصد از روستاییان می‌بایست هر شب مساله تامین "امنیت" ده خود را به عهده گرفته و به عنوان بسیجی با نیروهای سرکوبگر همکاری کنند. روستاییان را همچنین به اجبار وامی‌دارند در نگهداری از مقرهای نظامی رژیم شرکت داشته باشند. در شهرها نیز چنین رویه‌ای پیش گرفته شده است. همه کارمندان و معلمان را وامی‌دارند در دوره‌های آموزشی نظامی شرکت کنند. عدم شرکت در این دوره‌ها موجب اخراج فرد می‌گردد. آموزش نظامی با آزار و اذیت همراه است. یکی از هدف‌های این دوره‌های آموزشی نظامی، ترساندن افراد و بازداشتن

فعال کرده‌اند. شب‌هنگام، حالت حکومت نظامی کاملاً محسوس است. بر سر این کوچه یا آن کوچه چند ماشین ارگان‌های سرکوبگر ایستاده است. پاسداران به داخل خانه‌های یورش آورده‌اند تا جوانی را دستگیر کنند. هیچ شب و یا روزی بدون یورش و دستگیری سپری نمی‌شود. زندان‌ها انباشته شده‌اند. از نیروهای انقلابی و همسران و والدین و برادران و بستگان پیشمرگ‌ها.

اعدام‌ها، بدون این که اعلام شود، بی‌وقفه ادامه دارد. آخرین نمونه تا زمان ارسال این گزارش اعدام ۱۲ تن از نیروهای انقلابی در سنندج در روز ۲۴ مرداد ماه است.

کردستان خود منطقه‌ای تحت محاصره است. در درون حماری که گرد کردستان کشیده‌اند نیز محاصره‌ها، متعددی به وجود آورده‌اند. در حالی

آن‌ها از همکاری با نیروهای انقلابی است. از افرادی که دوره آموزش نظامی را طی کنند، علاوه بر اعزام آن‌ها به جبهه، برای محافظت از مقرها و پادگان‌های داخل شهرها نیز - خاصه در سقز و دیواندره و کامیاران - استفاده می‌کنند. بعد از این که در جریان بمباران پادگان سنندج دو تن از کارمندان اهل دیواندره کشته شدند، رژیم موقتاً به خاطر ناراضی‌های شدید کارمندان از این دوره‌های آموزشی، این طرح سرکوبگرانه را متوقف ساخت اما بعد از مدت کوتاهی آن را از سر گرفت.

فقر و فلاکت

در کردستان فقر و گرانی و بیکاری بیداد می‌کند. نان را نیز که قوت لایموت مردم است، از آنان دریغ می‌کنند تا چه برسد به برنج و روغن و شکر. در اواسط تابستان کمبود و گرانی نان در سنندج فشار زیادی بر مردم وارد ساخت. قیمت یک عدد نان سنتک به ۱۰۰ ریال و یک عدد نان لوش به ۲۵ ریال رسید. هم‌اکنون مساله نان در این شهر حالت عادی نیافته است.

در شهرهایی مانند سنندج، افزایش جمعیت ابعاد فلاکت اقتصادی را چند برابر ساخته است. جمعیت سنندج در چند ساله اخیر چهار تا پنج برابر شده است. اهالی شهرها، دم‌توب - مانند مریوان و بانه - و روستاییانی که خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند و یا حاضر به تسلیح اجباری نبوده‌اند، برای اسکان به سنندج روانه شده‌اند.

کارخانه‌های محدودی که در کردستان وجود دارد نیز مثل بقیه کارخانه‌های کشور در حال ورشکستگی و تعطیل شدن به سر می‌برند. در سنندج کارخانه ریسندگی و رنگرزی "شاهر" که دارای ۲۷۰ کارگر است، در آستانه تعطیلی است. در اواخر تیر ماه، در کارخانه به دلیل نداشتن مواد اولیه، به مدت ۱۵ روز بسته شد. اکنون قرار است حقوق کارگران را نصف کرده و کارخانه را به صورت یک شیفتی درآورند. تعاونی تولیدی شماره ۸ سنندج (تعاونی کمدسازان) نیز در آستانه ورشکستگی است. این کارخانه را نیز به دلیل نداشتن مواد اولیه مدتی تعطیل کردند.

فقر، فلاکت، سرکوب، اما کردستان از پا نمی‌افتد. هر چه می‌گذرد کینه رژیم نسبت به این خطه و مردم آن بیشتر می‌شود. کردستان هزار رنج پرپیگرد دارد. اما دلیرانه بر سر پا ایستاده است. کردستان، همچون کوه‌های خود سرفراز و مغرور است.

تاکتیک "نفوذ" پلیس

وراه‌های مقابله با آن

1

میداد ۱۳۶۵ - بیت: ۲۰ ریال

[illegible]

۱۷۰۰ نفر در بلوچستان دستگیر شدند

فرمانده کل کمیته‌های انقلاب اسلامی طی مصاحبه‌ای فاش ساخت که نیروهای بازم بیشتر به منطقه سیستان و بلوچستان اعزام شده‌اند. اعزام پاسداران حکومتی به منطقه سیستان و بلوچستان که به بهانه مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر صورت می‌گیرد اساساً وظیفه سرکوب مردم را دنبال می‌کند. فرمانده کل کمیته‌های انقلاب اسلامی گفت: "پاسگاه‌های مرزی جمهوری اسلامی در این مناطق در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به سه برابر سال‌های قبل توسعه داده است."

رژیم مدعی است که در پی اعزام پاسداران کمیته‌ها تحت عنوان "کاروانهای نور" به سیستان و بلوچستان، میزان کشف مواد مخدر فزونی یافته است. فرمانده کل کمیته‌های انقلاب اسلامی در مصاحبه خود اعلام داشت "طی ۶ ماهه اول سال جاری ۱۴ تن مواد مخدر در سلسله عملیات‌های کمیته کشف و ضبط شده و در این رابطه ۱۷ هزار نفر دستگیر شده‌اند."

هفته گذشته در پی جلسه هیات دولت اعلام شد که به منظور تقویت و تجهیز پاسداران کمیته‌ها در منطقه سیستان و بلوچستان مبلغ ۱۵۰۰ میلیون ریال بودجه اضافی در نظر گرفته شده است.

استعفای اعضای تیم ملی فوتبال

چهارده تن از چهره‌های سرشناس تیم ملی فوتبال ایران، بلافاصله پس از بازگشت از بازیهای آسیایی سئول به طور دسته جمعی استعفادادند و اعلام کردند که بعد از این در بازیهای ملی شرکت نخواهند کرد. آنان متن استعفانامه خود را به مطبوعات و رسانه‌های جمعی فرستادند که تنها قسمتی از آن در روزنامه کیهان ۱۶ مهرماه بازنتاب یافت.

روزنامه کیهان استعفای بازیکنان تیم ملی را یک اقدام بی سابقه و ناگهانی خواند و نوشت، بدین ترتیب فوتبال ما در اقدامی غافلگیرانه وارد دوران جدیدی می‌شود و در یک لحظه سرنوشت ساز قرار می‌گیرد.

از میان دیگر رویدادها

* رادیوی دولتی ۲۶ مهرماه - خمینی و منتظری دیدار و گفتگو کردند، رادیوی جمهوری اسلامی پیرو اعلام این خبر افزود که موضوع این ملاقات گفتگو حول مسائل مهم مملکتی بوده و از توضیح بیشتر پیرامون این موضوع اجتناب ورزید.

* کیهان هوایی ۲۳ مهر ماه - "ژان برنارد ریمون" وزیر امور خارجه فرانسه اعلام کرد فرانسه به مذاکرات خود با ایران برای حل برخی از اختلافات ادامه می‌دهد. وزیر امور خارجه فرانسه خطاب به خبرنگاران گفت: "ما روابط خود با ایران را در حد عادی برقرار کرده‌ایم بدون آنکه به هیچ وجه سیاست خود را تغییر داده باشیم و مادر این راه از سوی کشورهای عرب بسیار مخالف ایران نیز تشویق می‌شویم."

پیامدهای انحلال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

کیهان ۱۹ مهرماه - درگیری و تقابل جناح‌های درون حکومتی بار دیگر حول مسئله انحلال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی حدت یافت و علنی شد. حجت الاسلام راستی سرپرست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در استعفانامه خویش، مخالفین خود و از جمله بهزاد نبوی و سلامتی را تلویحاً عوامل منحرف و پاکسازی شده نامیده بود. موافقت خمینی با استعفانامه راستی در واقع به معنای تایید گذاردن بر مفاد آن تلقی می‌شد. بهزاد نبوی در نامه‌ای برای خمینی تصریح کرده بود: "از آنجاکه متن استعفانامه همراه با پاسخ حضرتعالی که در واقع موافقت با استعفا بوده منتشر گردیده است و نامبرده در متن مزبور علاوه بر طرح استعفا مسائل دیگری نیز مطرح کرده بودند که مغرضین پاسخ آن حضرت را تایید تمامی مطالب استعفانامه مزبور تلقی می‌نمایند، استدعا دارد ... اعلام نظر فرمایید." خمینی نیز اعلام کرد که "اینجانب فقط با استعفا آقای راستی و انحلال سازمان مذکور موافقت نمودم و با مطالب دیگری که در استعفانامه بود به هیچ وجه موافقت نکردم."

در نامه یکی از اعضای مستعفی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در کیهان همان تاریخ به چاپ رسیده است، حقایق دیگری افشا شده است. در این نامه ضمن حمله به مخالفین دولت میرحسین موسوی و حجت الاسلام راستی سرپرست سازمان مزبور نسبت به علت انحلال این سازمان چنین آمده است: "کدام ساده اندیش و سطحی انگاری باور می‌کند که بدلیل مشغله فراوان و ناساعد بودن حال مزاجی یک فرد، یک سازمان عقیدتی - سیاسی با آن همه سابقه درخشان منحل گردد؟"

خیابانهای تهران



تلی از گل ولای و ژباله در امتداد پیاده‌رو و آب جاری در سطح کوچه و خیابان، از خدمات شهری و عمرانی اثری بر جای نیست.

حمله موشکی به بغداد

در هفته گذشته حملات نظامی طرفین درگیر در جنگ، بار دیگر شدت یافت و خطر از سرگیری جنگ شهرها دگرپارده بر مناطق مسکونی و غیرنظامی دو کشور سایه افکند. جمهوری اسلامی آتشباری توپخانه‌ای خود را روی شهر بصره از سر گرفت و طی چند روز حملات توپخانه‌ای به مناطق مسکونی این شهر، دهها تن را کشت و زخمی ساخت. عراق نیز طی حملات هوایی مکرر، یک واحد تولیدی - صنعتی در خوزستان، دو نیروگاه برق و نیروگاه شیراز را بمباران کرد. طی حمله هوایی عراق به یک نیروگاه هوایی مسافری در فرودگاه شیراز سه تن کشته و ۲۷ نفر مجروح شدند. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی طی نامه‌ای برای دبیر کل سازمان ملل، ضمن اعتراض به حمله عراق به یک هواپیمای مسافری، اعلام کرد که جمهوری اسلامی برای مقابله با این حملات، دست به اقدامات مشابهی خواهد زد.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی اعلام کرد که تاسیسات نفتی واقع در جنوب غربی شهر کرکوک را توسط نیروی هوایی مورد حمله قرار داده است. روز ۱۹ مهرماه جمهوری اسلامی اعلام کرد که با کمک اتحادیه میهنی کردستان عراق یک عملیات جریبی در حق خاک عراق انجام داده است. این عملیات با عنوان "فتح ۱" و در منطقه کرکوک انجام گرفت. این اولین بار است که جمهوری اسلامی رسماً خبر می‌دهد که "اتحادیه میهنی کردستان عراق" به نیروهای نظامی ایران کمک می‌کند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در جریان حمله هوایی عراق به شهر هفت تپه، ۱۴ تن از افراد غیرنظامی کشته و ۶۵ تن زخمی شده‌اند. جمهوری اسلامی روز ۲۵ مهرماه اعلام کرد که با یک حمله موشکی به بغداد تاسیسات مخابرات این شهر را هدف قرار داده است. ایران در حالی است که عراق اعلام کرده است، موشک دوربرد جمهوری اسلامی به مناطق مسکونی بغداد اصابت کرده و در جریان این حمله ۶ تن کشته و عده‌ای مجروح شده‌اند. عراق همچنین از خبرنگاران خارجی خواست تا از محل اصابت موشک ایران در بغداد بازدید بعمل آورند.

در هفته گذشته حملات در حوزه آب‌های خلیج فارس نیز شدت گرفت. عراق طی چند حمله هوایی به بمباران حوزه‌های نفتی رستم، ساسان و رکسان پرداخت و بار دیگر پایانه نفتی خارک را نیز به آتش کشید. جمهوری اسلامی ضمن تایید حمله عراق به پایانه نفتی خارک، مدعی شد که یک فروند چنگنده عراق را نیز سرنگون کرده است. در جریان حملات موشکی ایران به یک نفتکش با نامایی ۱۵ خدمه آن مفقود آلوده شده‌اند. عراق نیز روز ۲۶ مهرماه یک نفتکش ایرانی را در نزدیکی ساحل خارک مورد حمله قرار داد.

رژیم جمهوری اسلامی که در تدارک یک حمله وسیع به عراق است، اعلام داشت سربازانی که دوره خدمت وظیفه‌شان تمام شده است، مرتضی نغمه‌امند شد. روزنامه کیهان ۲۰ مهرماه از قول رئیس اداره وظیفه عمومی نوشت که "پرسنل وظیفه‌ای که دو سال خدمت دوره ضرورت آنان تا پایان سال جاری به اتمام رسیده یک یاد ماه دیرتر ترخیص خواهند شد."

مقیم خارج را نادرست می‌شمید؟
باز هم پاسخ دهید! پاسخ این پرسش‌ها
قبل از هر چیز به خودتان کمک خواهد
کرد و می‌تواند زبان حاصله
از کار بست چنین روشهایی را متوقف
نماید.

در آن مقاله ما هم چنین نوشته
بودیم که در قبال ایرانیان خارج از
کشور "وظیفه چیست؟ آگاه کردن و
متشکل کردن، هر چه بیشتر و هر چه
وسیعتر، این وظیفه به هیچ رو
نمی‌تواند عینا وظیفه سمپات‌گیری
باشد. سخن بر سر وظایف دمکراتیک
است. کسی که خود عمیقا دمکرات
نیست، نمی‌تواند به کار دمکراتیک
بپردازد... می‌بایست هیچگاه
فراموش نکرد که تنها تشکلهای عمیقا
دمکراتیک، قادر به جذب بخشهای
وسعی از ایرانیان در خارج از کشور
است... می‌خواهیم با مردم خود در
تماس و پیوند باشیم؟ اکثریت
همینانی که در خارج از کشور در
اطراف ما هستند، مردمند
و مردمی...".

خوب چه می‌گوئید؟ نظر شما
چیست؟ مخالفید؟ بگوئید! هرات
داشته باشید و بگوئید. اینها مسائل
معین و مشخص است. نظر شما پیرامون
تشکلهای دمکراتیک چیست؟ به آن
معتقد نیستید؟ به تشکلی از نوع دیگر
اعتقاد دارید؟ از آن دفاع کنید!
بگوئید مشخصات تشکلی مورد نظرتان
چیست؟ ور رفتن شما با حلقه تسبیح
بلندی از فحش و افترا که مشخصات
چنان تشکلی را بیان نمی‌کند. اصلا
به ضرورت متشکل بودن ایرانیان
خارج کشور اندیشیده‌اید و یا شام
اعتقاد دارید که سه میلیون ایرانی
مقیم خارج "مردم" نیستند؟ هر چه که
می‌اندیشید بگوئید اما به آنان افترا
نزنید و نگوئید که مسئله میلیونها
هموطن‌ها، در خارج تنها "پروندهای
پنانه‌دگی" است.

این حقیقت است که آن مقاله
اکثريت جوانی از کژ رفتاریها و
کژ اندیشی‌های شما را نیز نمایاند.
ولی چرا آنهمه غضبناک شده‌اید؟ آینه
گر نقش تو بنمود راست - خود شکن آینه
شکستن خلعت!

آینه گر نقش تو بنمود راست

گفته و می‌گویند. مثلا در همان مقاله
مدعی شده‌اند که ما خواستار استرداد
مجاهدین از فرانسه شده بودیم. مشابه
این دروغ را پیش از این نیز در
"بولتن خبری" شماره ۲۲ نوشته
بودند. اینها بخشی از دروغ‌های بسیار
دیگری است که پیرامون کارکرد
سازمان ما و دیگر سازمانهای چپ
می‌نویسند. آنان با سوء استفاده از
اعتماد کسانی که احیانا این نشریه
تنها منبع اطلاعات آنهاست، تلاش
می‌ورزند جو بی اعتمادی نسبت به
سازمانهای انقلابی ایجاد کنند و با
برانگیختن آنان علیه فعالین انقلابی
و سنگ اندازی در مبارزه مشترک،
پایله خود ساخته را حفظ کنند.

آنها حرفهای نامربوط زیادی
می‌زنند تا یک حرف مربوط هم گفته
نشود؛ هر می‌گویند تا هیچ نگویند؛
چنانچه بپا می‌کنند تا از پاسخ به
سؤالاتی که در سطح جنبش پیرامون
کردارشان وجود دارد بگریزند. اما
راه گریز بسته است. زیرا که زندگی
این سؤالات را در پیش پای اینان
نهاده است. با هو و چنانچه می‌توانند
گرد و خاک کنند. اما گرد و خاک فرو
می‌نشیند و باید بگویند که چه
می‌گویند و کجا ایستاده‌اند و چه
می‌خواهند؟ زندگی سؤالات را تکرار
می‌کند.

ما هم سؤالاتمان را تکرار
می‌کنیم. شاکه به مقاله "ایرانیان
در خارج از کشور..." پرداخته‌اید،
باید به سؤالات معینی پاسخ بدهید. در
همان بخش مقاله اکثریت که در نشریه
شما کلیشه شده است، تصویری از
کارکرد شما در عرصه کار میان
ایرانیان خارج از کشور وجود دارد.
چه می‌گوئید؟ آیا حاضرید رسماً نیز از
آن نحوه کار دفاع کنید؟ بگوئید!
نترسید و پاسخ دهید! آیا آن گونه
برخورد اهانت آمیز با ایرانیان

بازتاب دهنده صدیق مسائل و مشکلات
ایرانیان خارج کشور و نشان دهنده
امکانات مبارزاتی آنان و وظایف
نیروهای مترقی در این زمینه بود، با
استقبال گسترده‌ای روبرو گردید.
در آن مقاله روش برخورد
تنگ نظرانه و تحقیر آمیز سازمانهای
سیاسی و از جمله سازمان مجاهدین با
ایرانیان در خارج از کشور و تلقی
آنان از کار در میان این دسته
از هم میهنان مائتد گردید و نشان داده
شد که چگونه کار بست آن روشها به
پراکنده نگه داشتن ایرانیان مقیم
خارج می‌انجامد و تاکید شد که این جز
به سود دشمنان مردم نیست.

نویسندگان
اتحادیه... که در برابر آن تحلیل
همه جانبه و این انتقاد، نه توان
پذیرش و نه حرفی برای گفتن دارند
چاره را در این دیده‌اند که بگویند تا
خوانندگان نشریه خود را بفریبند.
اگر بخواهیم "پاسخ" این نشریه را به
آن مقاله اکثریت غربال کنیم
و هرگز کوئی‌ها را واگذاریم آنچه که
باقی می‌ماند تنها یک جمله است. در
این جمله آمده است که گویا ما از آنان
خواستیم "بپایند و پرونده‌های
پنانه‌دگی این آقایان در شهرهای
مختلف اروپا را بپیکری کنند!"

انتساب چنین مطلبی به
آن مقاله صاف و پوست کنده یک دروغ
آشکار است و به قصد فریب کسانی
بیان می‌شود که به نویسندگان آن
نشریه اعتماد دارند. تنها جمله
"مربوط" مقاله غربال شده نیز چنان
نامربوط است که قضیه "حسن و خسین و
دختران مغایره..." را بخاطر
می‌آورد. البته پیروان سبک وسیاقي
که گردانندگان نشریه مجاهد از پیرون
جنبش به عاریت گرفته و از آن خود
کردند، از این سخنان نامربوط زیاد

بدنبال توقف انتشار نشریه
مجاهد در پاریس، نشریه‌ای بنام
"بولتن خبری انجمن دانشجویان
مسلمان فرانسه (هواداران سازمان
مجاهدین خلق ایران)" کوشیده بود
بخشی از وظایف آن را بر عهده بگیرد
که آخرین شماره آن در تاریخ
جمعه ۴ مهر منتشر گردید. در ماه جاری
بجای "بولتن خبری" نشریه‌ای
با عنوان "نشریه اتحادیه انجمن‌های
دانشجویان مسلمان خارج کشور
(هواداران سازمان مجاهدین خلق
ایران)" در همان قطع و ابعاد
شماره‌های آخر بولتن خبری آغاز به
انتشار کرد. مطالب شماره آغازین
"نشریه اتحادیه..." حاکی از
آن است که گردانندگان ارگان‌های
تبلیغی سازمان مجاهدین همچنان قصد
دارند با همان سبک وسیاقي
گردانندگان نشریه مجاهد به کار
ادامه دهند، سبک وسیاقي که تا کنون
این همه آسیب به مجاهدین زده است.
نشریه مجاهد که از انحصار طلبی و
تنگ نظری نمونه‌واری تبعیت
می‌کرده، دشمنی با جنبش کمونیستی
ایران و افترا زنی به کمونیستها را به
یکی از محورهای کار خود بدل کرده
بود. در همین راستا با بهره گیری از
منحط ترین روشها کوشیده بود اذهان
خوانندگان را نسبت به
مواضع سازمان‌ها، مغشوش نماید.

نخستین شماره دوره جدید
"نشریه اتحادیه..." در مقاله‌ای که
لطیف روال "نشریه" مجاهد به سختی
می‌توان مطالب آن را از میان انبوه
فحاشی‌ها بیرون کشید، نشان می‌دهد
که اینان چگونه از پرداختن به وظایف
و مسایل مشخص هراس دارند و از آن
می‌گریزند. بهانه فحاشی‌های این
نشریه "نقد" مقاله‌ای است که در
اکثريت شماره ۱۱۸ با عنوان
"ایرانیان در خارج از کشور؛
واقعیت‌ها، پیشداوریها، ضرورتها"
درج شده است.

در آن مقاله اکثریت ضمن
تشریح جوانب گوناگون زندگی و
مبارزه ایرانیان در خارج از کشور
و وظایف نیروهای مترقی در قبال آنها
برشمرده شد. آن مقاله از آنجا که

دولت این کشور و جمهوری اسلامی، ترکیه خرید
نفت خود را از جمهوری اسلامی قطع کرده است.

* رسالت ۱۶ مهرماه - پس از رد لایحه نظام
پزشکی توسط شورای نگهبان، منافی سرپرست منصوب
سازمان نظام پزشکی اسلامی اعلام کرد "این لایحه
به شکل جدید بطوری که نظر شورای نگهبان را تأمین
کند اصلاح شد و در کمیسیون بهداشتی مجلس شورای
اسلامی تحت بررسی است.

دمکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی مجارستان
دیدن کرد. اریش هونکر رهبر جمهوری دمکراتیک
آلمان در ملاقات با موسوی از دولتهای ایران و عراق
خواست به جنگ پایان دهند و اختلافات خود را با
مذاکره حل کنند. موسوی و هیات همراه پس از پایان
دیدار از آلمان دمکراتیک وارد مجارستان شدند.

* یک روزنامه چاپ ترکیه اعلام کرد که
بدنبال بروز اختلاف نظر پیرامون بهای نفت بین

* در دیدار سفیر تایلند در جمهوری اسلامی با
وزیر بازرگانی پیرامون مسایل مربوط به گسترش
مناسبات بازرگانی دو کشور بحث و گفتگو بعمل آمد.
باید خاطرنشان ساخت که وزیر بازرگانی تایلند
برای انجام یک دیدار رسمی بزودی وارد تهران
خواهد شد.

* طی روزهای شنبه تا پنجشنبه هفته گذشته،
میرحسین موسوی به همراه هیاتی از کشورهای جمهوری

طنین فریاد مرگ بر جنگ، در پهنه گیتی

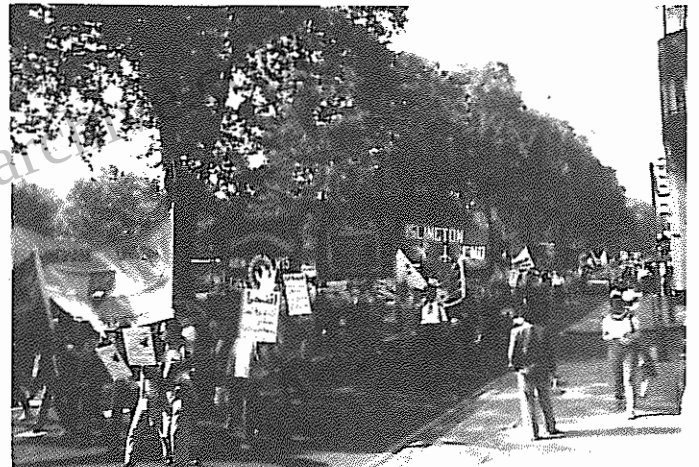
بریتانیا

پنابه دعوت "کارزار بین المللی برای صلح و دموکراسی در عراق و ایران"، روز ۲۹ شهریور در شهر لندن راهپیمایی بزرگی صورت گرفت. شرکت کنندگان در این راهپیمایی که در میانشان نمایندگان پیش از شانزده حزب، سازمان، اتحادیه و ... مترقی و صلح دوست حضور داشتند، شش عبور از خیابان‌های مرکزی لندن و در حالیکه پلاکاردهایی با مضامین صلح خواهانه در دست داشتند علیه ادامه جنگ ایران و عراق به تظاهرات پرداختند.

طنین شعارهای "مرگ بر خمینی، مرگ پر صدام"، "صلح، صلح آزادی، مرگ بر خمینی" به زبان‌های انگلیسی و فارسی توجه رهگذران و مردمی که در



مسیر راهپیمایی سکونت داشتند را بخود جلب نمود، آنها در حمایت از خواست پایان دادن به جنگ، با



هلند

پنابه دعوت "کمیته علیه جنگ ایران و عراق" که در نیمه دوم مرداد ماه سال جاری با شرکت فدائیان خلق (اکثریت) - هلند، حزب توده ایران - هلند و حزب کمونیست عراق - هلند تشکیل شده بود، در روز اول مهرماه تظاهراتی در لاهه پایتخت هلند صورت گرفت. در این تظاهرات علاوه بر سه نیروی نامبرده، لیگ سراسری هنرمندان، روزنامه نگاران و نویسندگان دمکرات عراقی - هلند و برخی از ایرانیان و هلندی‌های صلحدوست شرکت نمودند.

تظاهرکنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی که شعارهایی چون "جنگ ایران و عراق را متوقف کنید"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "هیچ زنی نباید به جبهه فرستاده شود" به راهپیمایی در خیابان‌های لاهه پرداختند. آن‌ها با توقف در برابر سفارت ایران و عراق و فریاد شعارهای کوبنده، نفرت خویش را از جنگ افروزان ابراز داشته، سیاست ادامه جنگ را محکوم کردند.

در پایان تظاهرات، از سوی راهپیمایان قطعنامه‌ای به پارلمان هلند تسلیم گردید. در این قطعنامه ضمن اشاره به پیامدهای هولناک جنگ از رژیم‌های ایران و عراق خواسته شده است که:

"۱ - عملیات نظامی بی‌درنگ قطع شوند!

راهپیمایان ابراز همبستگی کردند. و قتیکه صف راهپیمایان از مقابل سفارت جمهوری اسلامی می‌گذشت، خروش فریاد مرگ بر جنگ چنان طنین افکند که مردم بسیاری از نقاط مختلف "هاید پارک" (یکی از مراکز عمده ایراد سخنرانی و اعتراضات سیاسی) برای ابراز همبستگی با تظاهرکنندگان به راهپیمایی پیوستند و با آنان همصدا شدند. طی این راهپیمایی از سوی فدائیان خلق ایران (اکثریت) - بریتانیا و "کارزار بین المللی برای صلح و دموکراسی در عراق و ایران" اعلامیه‌هایی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در محکومیت سیاست ادامه جنگ توزیع شد که با استقبال مردم مواجه گردید.

دانمارک

حزب کمونیست دانمارک درچ گردید.

پیش از این تظاهرات در روز جمعه ۲۸ شهریور آکسیون توسط فدائیان خلق در یکی از مراکز شهر کپنهاگ برپا گردیده بود. در این آکسیون فدائیان خلق ضمن تشکیل نمایشگاه عکسی علیه جنگ به پیش تراکت‌ها و اعلامیه‌هایی به زبان‌های فارسی و دانمارکی در میان مردم پرداخته، آنان را به شرکت در تظاهرات ۳۱ شهریور دعوت نمودند. بازدیدکنندگان دانمارکی نمایشگاه با امضای متنی در اعتراض به جنگ خونبار ایران و عراق حمایت خویش را از مردم ایران در نبرد علیه پیدادگری‌های رژیم مرتجع خمینی اعلام نمودند.

برخواستهای زیر تاکید شده است:

"۱ - اعمال فشار به رژیم‌های دو کشور برای پایان دادن جنگ.

۲ - تحریم بین المللی تحریل سلاح به دو کشور.

۳ - اعتراض علیه نقض حقوق بشر و درخواست آزادی زندانیان سیاسی"

همچنین از طرف کمیته برگزارکننده تظاهرات که فدائیان خلق، توده‌ای‌ها، هواداران حزب کمونیست عراق و اعضای حزب کمونیست دانمارک و حزب سوسیالیست چپ دانمارک در آن حضور دارند، یک بیانیه مطبوعاتی بهمناسبت آغاز هفتمین سال جنگ به مطبوعات مختلف داده شد. متن این بیانیه در روزنامه لندفالد ارکان

دوکشور تاکید نمود. آنگاه گروه موسیقی موزیک‌های صلح را نواخت. سپس تظاهرکنندگان به راهپیمایی در خیابانهای شهر کپنهاگ پرداخته، در مقابل پارلمان دانمارک توقف نمودند. در این محل ویلوسیکردسون دبیر کمیته صلح و دموکراسی (شهردار سابق کپنهاگ، عضو فعلی شورای شهر کپنهاگ و یکی از رهبران حزب سوسیالیست دانمارک) سخنرانی کرد. وی در سخنان خود مبارزات مردم ایران و عراق در راه برقراری صلح و دموکراسی و رعایتی از سرکوب و اختناق را مورد حمایت قرار داد.

در پایان مراسم، قطعنامه تظاهرات که یک نسخه از آن به نمایندگان پارلمان دانمارک تسلیم گردید، قرائت شد. در این قطعنامه

از سوی "کمیته صلح و دموکراسی برای مردم ایران و عراق" روز ۲۱ شهریور ماه در میدان مرکزی کپنهاگ (رودوس پلاس) تظاهراتی با شرکت جمعی از نیروهای مترقی و صلحدوست ایرانی، عراقی و دانمارکی صورت گرفت. شعارهای اصلی تظاهرات پیرامون برقراری صلح و قطع شکنجه و اعدام در دو کشور ایران و عراق بود. در میدان رودوس پلاس - محل اجتماع تظاهرکنندگان - یوان نیونیک عضو هیات مدیره کمیته صلح و دموکراسی و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک سخنرانی نمود. وی در سخنرانی خود بر نقش نیروهای سیاسی دانمارک جهت فشار بیشتر بر دو رژیم ایران و عراق و قطع ارسال سلاح از سوی کشورهای اروپایی به

آمریکا

واشنگتن

اتحادیه و انجمن از کشورهای مختلف با شرکت در این حرکت اعتراضی و با اعلام همبستگی با آن، حمایت خود را از نیروهای صلح و دموکراسی در ایران و عراق بیان داشتند.

تظاهرکنندگان در مسیر راهپیمایی که از مقابل دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی شروع و در برابر سفارت عراق پایان یافت، فریاد اعتراض خویش را با شعارهایی چون «زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی، مرگ بر صدام» به گوش مردم رساندند.



روز ۲۹ شهریور به ابتکار «ائتلاف صلح بین ایران و عراق» تظاهراتی در واشنگتن انجام گرفت. در تظاهرات این ائتلاف که هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هواداران اتحادیه دموکراتیک عراق و انجمن دانشجویان کرد در آمریکا و کانادا تشکیل شده است، ده‌ها تن از ایرانیان و عراقی‌های میهن‌دوست شرکت کردند. همچنین نمایندگان ۲۲ حزب،



نام برد. در پی تظاهرات اول مهر، از طرف روزنامه «وارهاید» مصاحبه‌ای با نمایندگان ایرانی و عراقی «کمیته علیه جنگ ایران و عراق» ترتیب یافت. همچنین روزنامه «مانیفست» ارگان حزب کمونیست‌های هلند اقدام به درج بیانیه این کمیته نمود و یک ایستگاه رادیویی هلند به مصاحبه با نمایندگان ایرانی، عراقی و هلندی شرکت کننده در تظاهرات پرداخت.

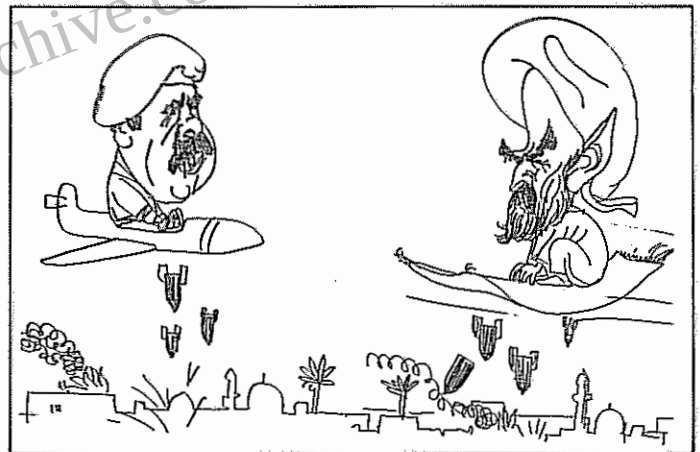
۲- به بهارن شهرها، مراکز اقتصادی و کثرت مردم غیر نظامی خاتمه داده شود!
۳- مذاکرات برای حل اختلافات هر چه زودتر شروع شود!
از میان نیروهایی که با امضای قطعنامه مزبور موافقت خود را با مبارزات صلح طلبانه خلق‌های ایران و عراق اعلام کرده‌اند می‌توان از حزب کمونیست هلند حزب کمونیست‌های هلند و اتحادیه سراسری جوانان هلند

آرلینگتون

صلح‌دوستی و شعارهایی چون «از مبارزات مردم ایران و عراق برای پایان دادن به جنگ حمایت کنیم» و «پایدار باد صلح جهانی» تزیین شده بود. در پیرون سالن نمایشگاهی از صحنه‌های دردناک جنگ برپاگشته بود که مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت.

در این مراسم نماینده حزب کمونیست آمریکا در دالاس تراس سخنرانی نمود. وی در سخنان خود خواهان پایان دادن به جنگ بیپرده ایران عراق گردید.

در تاریخ ۲۰ شهریور، «کمیته مشترک و موقت صلح درخاورمیانه»، متشکل از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هواداران حزب توده ایران، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و شورای صلح دالاس در اعتراض به ادامه جنگ ویرانگر ایران و عراق برنامه‌ای در دانشگاه آرلینگتون تراس برگزار کرد. در این برنامه جمعی از هم‌میهنان ما و خارجی‌ها دموکرات شرکت کردند. سالن محل برگزاری مراسم با تصویری از یک کبوتر سفید به نشانه



کاریکاتوری از یک طرح پیشرو عراقی

یونان

تمجید قرار می‌دادند.

علاوه بر این، فدائیان خلق با توزیع هزاران تراکت حاوی آمار خسارات ناشی از جنگ به زبان یونانی و نصب صدها تراکت به زبان فارسی در سطح شهر و نیز پخش اعلامیه کمیته مرکزی سازمان بهمناسبت سالگرد جنگ بردامنه افشاکری علیه رژیم فتن‌گین جمهوری اسلامی افزودند.

کلیشه یکی از تراکتهایی را که از سوی فدائیان خلق ایران (اکثریت) در یونان در میان مردم توزیع شد در همین صفحه مشاهده می‌کنید.

بهمناسبت سالگرد جنگ ایران و عراق، روز اول مهرماه، در مرکز شهر آتن نمایشگاه عکسی دایر گردید. در این نمایشگاه که به گوش هواداران سازمان در یونان، برپا شد، میز کتاب و نشریات سازمان نیز به چشم می‌خورد. از این نمایشگاه عده زیادی از اهالی آتن و تعدادی از ایرانیان مقیم این شهر بازدید کردند. یونانیان بازدیدکننده همبستگی خویش را با مبارزات خلق‌های رنج‌دیده ایران برای دستیابی به صلح و آزادی ایران نموده و قهرمانی انقلابیون میهن‌مارا مورد

Ο ΧΟΜΕΪΝΙ ΣΤΟΧΕΥΕΙ ΣΕ ΕΝΑ ΙΡΑΝ ΚΑΤΕΣΤΡΑΜΜΕΝΟ



ΜΕΧΡΙ ΣΗΜΕΡΑ έχουν ελεγχθεί 51 πόλεις και 3091 χωριά.

Έχει παραλάβει η οικονομία των 6 πιο σημαντικών πόλεων και έχει καταλάβει η λειτουργία των περισσότερων μονάδων πρωταρχικής παραγωγής.

Έως το τέλος του 1984, οι πόλεις ζουν σε υποσιτισμό και η χώρα καταλαμβάνεται σε πάνω από 200 διατακτοφόρα βάσεις.

ΖΗΤΩ Η ΕΙΡΗΝΗ - ΖΗΤΩ Η ΕΛΕΥΘΕΡΙΑ - ΘΑΝΑΤΟΣ ΣΤΟ ΧΟΜΕΪΝΙ

ΟΡΓΑΝΩΣΗ ΦΕΝΤΑΓΙΝ ΤΟΥ ΙΡΑΝΙΚΟΥ ΛΑΟΥ (Πάρις)

23 Σεπτεμβρίου η 7η επέτειος του καταστροφικού πολέμου ΙΡΑΝ - ΙΡΑΚ

اسپانیای

در تاریخ ۲۹ شهریور به دعوت "کمیته اسپانیایی صلح میان ایران و عراق" گردهمایی با شکوهی در یکی از مشهورترین مراکز فرهنگی مادرید برای اعتراض علیه ادامه جنگ ایران و عراق برگزار شد.

کمیته نامبرده که با تلاش فداییان خلق و با شرکت جمعی از برجسته‌ترین شخصیت‌های مردمی و انقلابی اسپانیا برای سازمان دادن اعتراضات مردم اسپانیا علیه جنگ ایران و عراق و به خاطر استقرار صلح تشکیل شده است، موفق شد در مقدماتی سالروز شروع جنگ با طرح گسترده موضوع در مطبوعات، رادیو و تلویزیون اسپانیا به افشای جنایات مرتجعین حاکم بر ایران و عراق پرداخته افکار عمومی را پیش از پیش متوجه جنگ ویرانگر و کشور کند.

مراسم گردهمایی ۲۹ شهریور با سخنرانی "کارلوس پاریس" چهره سرشناس ادبیات انقلابی اسپانیا آغاز شد. وی با فشاری جمهوری اسلامی در ادامه جنگ را محکوم کرد. دومین سخنران، بیسنته جامرو دادستان دیوانعالی اسپانیا بود که گفت دولت‌های امپریالیستی و رسانه‌های خبری وابسته بدانها سیاست سکوت در قبال جنگ را ادامه می‌دهند. باید سکوت را شکست ... این جنگ باید خاتمه یابد.

دیگر سخنران مراسم، مارکوس گونا، چهره برجسته جنبش کمونیستی

اسپانیا و مسئول بخش همبستگی بین‌المللی حزب کمونیست اسپانیا، در سخنان خود گفت: "ما وظیفه خود می‌دانیم برای پاسداری از صلح جهانی، برای پایان دادن به کشتار خلق‌های ایران و عراق و برای یاری رساندن به مبارزین راه صلح در ایران و عراق از هیچ گونه تلاشی فروگذار نکنیم."

در بخش‌های دیگر این مراسم پیام‌های حزب کمونیست اسپانیا، کمیسیون کارگری اسپانیا (بزرگترین تشکل کارگری کشور)، اتحادیه عمومی کارگران، سازمان طرفداران حقوق بشر در اسپانیا و اتحادیه کشوری



"مارکوس گونا" نماینده حزب کمونیست اسپانیا در حین سخنرانی در گردهمایی صلح، وی با ۲۳ سال سابقه زندان در رژیم فرانکو، چهره‌ای نامدار در کشورهای اسپانیایی زبان است.

نلسون چپ و "ویندیو خوان" شاعر انقلابی آرژانتین و مجری برنامه گردهمایی صلح

سازمانهای صلح دوست اسپانیا قرائت کردند. در همه این پیام‌ها که سرشار از همبستگی عمیق با مبارزات صلح‌دوستانه مردم ایران و عراق می‌باشند، بر ضرورت فوری پایان دادن به جنگ تأکید شده است.

گردهمایی مزبور با قرائت قطعنامه‌ای پایان یافت. در این قطعنامه بر خواستهای زیر تأکید شده است:

۱- قطع بی‌درنگ بمباران مناطق غیرنظامی در هر دو کشور.

۲- اعلام آتش‌بس و حل اختلافات از طریق مذاکره.

۳- پایان دادن به کشتار خلق کرد در هر دو کشور.

هم‌زمان با برگزاری گردهمایی صلح، تلویزیون سراسری اسپانیا به‌پخش مصاحبه‌ای با یکی از هواداران سازمان در اسپانیا و یک مبارز عراقی پرداخت. شرکت کنندگان در این مصاحبه به افشاکاری علیه سیاست‌های جنایتکارانه رژیم‌های خمینی و صدام و نقش امپریالیسم در قبال جنگ پرداختند. همچنین چند روزنامه معتبر کشور مقالاتی درباره جنگ چاپ کردند.

از جمله "ال پائیس" پرتیواژترین روزنامه اسپانیا به درج سه مقاله پیرامون جنگ خانمانسوز ایران و عراق و پیامدهای رنج‌بار ناشی از آن و نیز پیکار نیروهای دمکرات و انقلابی ایران در راستای دستیابی به صلح، آزادی و برپایی یک رژیم دمکراتیک در کشور، مبادرت نمود.

ای پرورنده بهار می آید

بهاجموم کلافه‌های سیاه
بلاغ میهن تهی و مرغان شد
باد پاییز شعله زده بر شاخ
شاخساران سبز و عریان شد.

بهاجموم سیاه باد ستم
فریچی از آشیانه کوپید شد
فوج دیگری به دام افتاد شد
خون پره‌های خورشید نوشید شد

خون مندها پرورنده دیگر
دالغ سرخی به قلب گلشن شد
بلاغ و افکش افتخاری، گشت
فیش خاری به چشم دشمن شد

فوج دیگری به سان تفنوسان
اوتیهاران، ترافه می خوانند
و آتش بال خورشیدشان، شهبها
تیره گری را از شهر می رانند

دردل خلق، این شهاب ویزان
می فشانند بر توشادی
بذر عصیان و بذر پیداری
بذر صبح سپید آزادی

عاقبت بر دمد خاک وطن
شاخسار بلند صبح سپید
توبهار و خون گرفته نشان
یادگار سترگ خون سپید

ای مهاجر پرورنده عاشق!
فصل هجران نه دیر می پاید
مهر ایان خویش می بینی
ای پرورنده، بهار می آید

ای اسیر نفس‌های پولادین
درد لبت شو قهرم پرواؤ است
می دره میله‌های وُفد است
پرو پالت وُفد خواهد رست

آن زمان، آن خسته پگاه
خلق، می کند تور آگلوش
می شد لب به وُشم خویشنت
بر رخت باؤ می کند آغوش

آه و آن آشیان که خالی ماند
اوتیه‌های پز شرار امید
دوبهاران پر دمیده وُخون
جاودان باد، یادگار شهید،
۶۵/۴/۲۰ سم - کاه

بزرگداشت یاد قربانیان اردوگاه "اشتوکن بروک"

را مبارزین ضدفاشیست کشورهای لهستان، فرانسه، یوگسلاوی و ایتالیا تشکیل می‌دهند.

فدائیان خلق در آلمان فدرال همچون سال گذشته ضمن حضور در مراسم، حلقه کل یادبودی را به نشانه بزرگداشت آماج‌های انسانی به خاک افتادگان "اشتوکن بروک" بر مزار آن هائیدادند.



همه ساله، از طرف نیروهای مترقی و صلح دوست مراسمی به یادبود ۶۵ هزار تن از اسیرانی که در اردوگاه "اشتوکن بروک" واقع در ۲۰ کیلومتری شهر بیلفلد آلمان فدرال، توسط فاشیست‌های هیتلری به خاک افکنده شدند، برگزار می‌شود. اکثریت قربانیان این اردوگاه را سربازان ارتش سرخ و بخش دیگری

آلمان فدرال:

هفته صلح در دورتموند

از تاریخ ۲۹ سپتامبر تا ۳ اکتبر، مراسم هفته صلح در شهر دورتموند برگزار گردید. بدین مناسبت شورای صلح دورتموند به‌پربایی چادر صلح در شهر مبادرت ورزید. در این مراسم فدائیان خلق فعالانه شرکت کردند. در نخستین روز هفته صلح یک فدایی خلق به سخنرانی پیرامون جنگ ایران و عراق پرداخت. در روز اول اکتبر نیز یک زن فدایی سخنانی درباره وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایراد نمود.

فدائیان خلق همچنین با گذاشتن میز کتاب، نشریات و اعلامیه‌های سازمان به افشای رژیم جنگ افروز جمهوری اسلامی پرداخته با شرکت کنندگان در مراسم از نبرد نیروهای صلح و ترقی علیه نیروهای جنگ و ارتجاع در ایران سخن گفتند.

فصلی از کتاب : حزب همانگونه که هست

نوشته : آوار و کوئبال دبیر کل حزب کمونیست پرتغال

وحدت و مبانی آن

یکی از عوامل تعیین کننده نیروی سازمانی، نفوذ و کارایی حزب در پیچ توده ها، وحدت درون حزبی است.

اگر بطور خلاصه تعریف کنیم، در وحدت حزب سه نکته اساسی را می شود تمیز داد، پذیرش برنامه و مشی سیاسی حزب، رعایت اصول و موازین سازمانی، کار فعالانه در جهت اجرای تصمیمات اتخاذ شده.

این سه عامل اساسی وحدت چنین حزب بزرگی - به لحاظ تعداد اعضا و سازمان ها - چون حزب ما، دیگر به خودی خود گواه آشکار استحکام سیاسی، ایده ای و سازمانی صفوف حزب هستند که به نوبه خود امکان می دهد امکانات فراوانی برای تاثیر حزب بر سرنوشت کشور قائل باشیم.

در حزب کمونیست پرتغال جریان های ایدئولوژیک، پلاتفرم و گروه بندی های رودروری یکدیگر و رهبرانی که میان خود خصومت بورزند وجود ندارد.

سازمان های حزبی و اعضای حزب، برنامه آن را می پذیرند و منطق ها می تعیین شده عمل می کنند. لیکن برای برخی ناظران تعجب آور بنظر می رسد که وحدت حزب ما طی سال های متمادی بی خدشه حفظ می شود و حتی در پرتغیز ترین شرایط حیات سیاسی کشوری تزلزل باقی می ماند.

اما اگر به اوضاع کشور، تنها پس از ۲۵ آوریل سال ۱۹۷۴ بنگریم چه خواهیم دید؟

وظایف جدید و پرتغیزی در برابر حزب قد علم کرده بود. روند انقلاب پرتغال با ناموزونی جریان داشت و به حزب تحمیل می کرد که رهبر پدیده های جدید را تبیین کند، برای بار دیگر اوضاع را تحلیل کند و تصمیمات مهمی اتخاذ نماید. طی ۱۱ سال پس از ۲۵ آوریل، برای دموکراسی و برای حزب موقعیت های فوق العاده خطرناکی پیش آمد.

بعلاوه در شرایط این روند پرتغیز، آن زمان که در تمامی احزاب دیگر درگیری، انشعاب، برکناری و از هم پاشیدگی درونی روی می داد، در حزب کمونیست پرتغال وحدت مطلق محفوظ می ماند. وحدت در کمیته مرکزی، وحدت در تمامی ارگان های رهبری، وحدت رهبری با سازمان های حزبی پایینی. وحدت تمام حزب.

این وحدت اعجاب آفرین دیگر به خودی خود گواه آنچنان روشنی از برتری حزب کمونیست پرتغال بر سایر احزاب است که تبلیغات ضد کمونیستی با تلاش برای جلوگیری از پذیرش این کیفیت و الای حزب کمونیست پرتغال و ارزش گذاری شایسته نسبت به آن، به بخش اطلاعات ناصحیح روی می آورند و ضمن آن از دو شیوه متضاد استفاده می کنند.

از یک سو می کوشند خود واقعیت وجود وحدت حزب را نفی کنند و در این راستا موارد مختلف بی اهمیت و غیر تمیزیک که در حزب یافته می شود، دقیقاً از زیر خاک بیرون کشیده می شوند، جان می گیرند و تا حد خنده آوری دامن زده می شوند و یا

حتی عمداً به سادگی، درگیری ها و انشعابات در ذهن می پروراندند که گویا در حزب کمونیست پرتغال روی می دهد.

از سوی دیگر این تبلیغات برخلاف همین اراچیف ساخته و پرداخته خود، اعتراف می کنند که در حزب کمونیست پرتغال وحدت مستحکمی وجود دارد اما می کوشد این وحدت را با وجود انضباط کورکورانه، سخت و بلا منازع در حزب و با پدیدبی است، با فئاتیسم کوراعضای حزب توضیح دهد.

باری، از یک سو تبلیغات ضد کمونیستی از پذیرفتن حقایق آشکار سرپا می زنند و از سوی دیگر مایل نیست کسی از این حقایق اطلاع حاصل کند.

اما حتی کسی که یک ذره فکر می کند و یک ناظر جدی، ناگزیر تصدیق می کند که وحدت درونی حزب کمونیست پرتغال موجد نیروی عظیم و اهمیتی است که نه با کمک اتهام می توان آن را پوشاند و نه به وسیله شیوه های مبتذل و ناهنجار می توان آن را قلب کرد.

وحدت پایدار حزب کمونیست پرتغال تنها ناراضایی و سیل اخبار تحریف شده بهار نمی آورد. این وحدت توجه دقیق و علاقه احزاب کمونیست و نیروهای مترقی را جلب می کند.

تجربه حزب کمونیست پرتغال در امر تامین وحدت صفوف خود موضوعی است که درخور مطالعه ای موشکافانه است. اغلب سوال می شود چگونه حزب کمونیست پرتغال توانست به چنین وحدت اعجاب آفرینی دست یابد؟ برخی سوال می کنند، حزب برای تامین وحدت چه تصمیمات و تدابیری اتخاذ می کند، حزب کمونیست پرتغال چگونه به موافقت اعضای خود با اهداف و مشی سیاسی حزب، به رعایت اصول و موازین سازمانی از جانب آنان و به کار فعال آنان در جهت اجرای تصمیمات اتخاذ شده دست می یابد؟

پاسخ روشن است: وحدت حزب کمونیست پرتغال نتیجه فلان اقدامات ویژه ای که متوجه نامین وحدت باشد نیست، بلکه ناشی از کلیت مشی حزب و فعالیت عملی آن است.

مبانی وحدت

وحدت حزب کمونیست پرتغال که از خود سرشت حزب و تمامی فعالیت آن ناشی می شود، از عوامل گوناگون بسیاری که متقابلاً مکمل یکدیگر هستند تشکیل می شود.

اساس وحدت حزب، تحلیل صحیح موقعیت و دقیق بودن اهداف تعیین شده و مشی سیاسی است. صحت ارزیابی حزب از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، تعریف دقیق مرحله انقلاب و آماج های آن، تحلیل تناسب نیروهای طبقاتی، سرشت حقیقی و اهداف سیاست دولت هایی که یکی پس از دیگری روی کار آمده اند و جوانب اصلی وضعیت کشور را خود زندگی تایید کرده است.

دقت مشی سیاسی، که زندگی آن را تایید می کند، جایی برای اختلاف نظرها، گرایش ها و

جریان هایی که بتوانند وحدت حزب را نقض کنند، باقی نمی گذارد.

وحدت سیاسی مقدم ترین رکن وحدت حزب است.

متمرکز کردن توش و توان پیرامون جامعه عمل پوشاندن مشی سیاسی حزب و فعالیت عملی، یعنی، پیرامون مبارزه طبقه کارگر و توده های خلق، بنیاد وحدت را تشکیل می دهد.

طی سال های متمادی، مبارزه برای دفاع از منافع مشخص خلق و کشور همچنان جوهر حیات حزب باقی مانده است. کمونیست بودن در شرایط پرتغال یعنی مبارزه طبقه و توده ها بودن، آن هم نه در حرف، بلکه در فعالیت روزمره.

این که خود زندگی ضرورت وجود حزب و اهمیت مبارزه کمونیست ها در دفاع از منافع خلق و میهن را تایید می کند جایی برای آن که حزب در لاک خود فرو رود باقی نمی گذارد و موجبات تحکیم آگاهی کمونیست ها و انسجام صفوف حزب را فراهم آورده، به اقدامات مشترک ترغیب می کند.

فعالیت کمونیست ها در پیوند تنگ با طبقه و توده ها، دومین رکن وحدت حزب است. موازین سازمانی و اصول فعالیت که امکان می دهند شرکت هر عضو حزب در تحلیف سیاست و کار عملی حزب را آگاهانه ساخت پایه وحدت را تشکیل می دهد.

پیوند نزدیک رهبری با سازمان های حزبی پایینی و پشتیبانی آنان از خط رهبری، دموکراسی درون حزبی، احترام به عقاید اعضای حزب و ارزیابی واقعی از فعالیت آنها، سیاست عینی و عادلانه در مورد کادرها ضمن ارزش گذاری شایسته به خدمات ساختمان سازمانی حزب و تکامل بخشی به کار سازمانی همه و همه حزب را استحکام می بخشد و آن را به اهرم نیرومند اقدامات سیاسی تبدیل می کند.

خود زندگی تایید می کند که موازین تعریف شده و به تصویب رسیده سازمانی که در کار عملی بکار گرفته می شود، امکان جدی شرکت در حیات کشور را فراهم می آورد و این امر آگاهی و تلاش دسته جمعی در عرصه سازماندهی را استحکام می بخشد.

انسجام سازمانی سومین رکن وحدت حزب است.

کار دسته جمعی و نظریه حزب به مثابه کلکتیو بزرگ حزبی، بنیاد وحدت را تشکیل می دهد.

این امر دستاورد سترگ حزب ما، حاصل تجربه اندوخته شده و خصوصیت ویژه و مهم فعالیت حزبی و سبک کار است.

در کار دسته جمعی فعالیت تلوریک و سیاسی پیوند می خورد، احساس مسئولیت هر فرد در مجموع تمام کلکتیو تعمیق می یابد، فضای احترام به سهم همه و هر کس در امر مشترک بوجود می آید و کار دسته جمعی اعضای حزب را در دستیابی به هدف واحد و در اقدامات مشترک متحد می کند.

وحدت و مبنای آن

این که خود زندگی اهمیت مترک کار دسته جمعی را اثبات می کند، خصلت خلایق و شمر بخشی این کار و نقش سمرق الهام بخشی که کار دسته جمعی برای کار فردی ایفای کند مانع پیدایش درگیری ها و انشعابات می شود و همین به خودی خود تثبیت نیرومند وحدت است.

کار دسته جمعی و تبدیل شدن مفهوم کار دسته جمعی به خصوصیت خود ویژه سبک کار حزب کمونیست پرتغال چهارمین رکن وحدت حزب است.

مطالعه و فراگیری ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بنیاد وحدت را تشکیل می دهد.
تنها ادعای شغای "وفاداری" به مارکسیسم - لنینیسم حزب را متحد نمی کند. این مدعاها چیزی بیش از بیان نیات نیست.

دستیابی به مبنای تئوری که تحلیل صحیح موقعیت و پدیده های جدید و تنظیم مشی صحیح طبقاتی را میسر می سازد حزب را متحد می کند.

مطالعه و فراگیری مارکسیسم - لنینیسم، نظریات بنیادین طبقاتی را عمق و استحکام می بخشد، اعضای حزب را با معیارها و مدهایی که با استفاده از آن می توان رویدادها و پدیده ها را به درستی بررسی کرد تجهیز می کند و آن ها را به درک واحد و مشترکی از واقعیت و دریافت پاسخ های صحیح به مسائلی که این واقعیت طرح می کند می رساند.

تأیید خصلت عملی مارکسیسم - لنینیسم در زندگی و فعالیت روزمره، تأثیر فاسد کننده ایدئولوژی بورژوایی را کاهش می دهد.

مارکسیسم - لنینیسم، پنجمین رکن وحدت حزب است.

بدین ترتیب همه جوانب فعالیت حزب به امر وحدت حزب مساعدت می کند. هرگونه اشتباه یا عدم دقت در مشی سیاسی، در فعالیت سازمانی، در سبک کار و در کار ایدئولوژیک، بلاواسطه به وحدت لبه می زند و آن را تضعیف می کند.

وحدت حزب نتیجه فلان تصمیمات و تدابیر ویژه نبوده، بلکه از کلیت خط مشی و همه فعالیت عملی حزب نشأت می گیرد.

وحدت رهبری

در امر تأمین وحدت حزب، مسأله وحدت رهبری درخور توجه خاصی است.

واقعا، وحدت رهبری طی سال های متمادی رکن با اهمیت وحدت تمام حزب بوده و **همی تعیین کننده** در آن ادای می نماید.

وحدت رهبری به این معنا نیست و نمی تواند هم به این معنا باشد که بین رهبران درک کامل و بی شکل، سازگاری و گرومکاری، یا غیر قابل جاننشین شدن گروه یا "طایفه" رهبری وجود داشته باشد.

وحدت رهبری به این معنا نیست و نباید هم به این معنا باشد که هنگام بررسی فلان مسأله نتواند نظرات گوناگون پیدا شود و مباحثه و گفت و شنود تحمل ناپذیر باشد. وحدت رهبری به معنای آن است که رهبری به نتیجه نهایی می رسد و تصمیم دسته جمعی را با اتفاق آراء یا با رضایت همه، یا با توافق و یا با اکثریت به تصویب می رساند و درست همین تصمیم رهبری، و نه نظرات جداگانه اعضای رهبری است که

در معرض اطلاع حزب قرار می گیرد.

اعضای حزب چه در ارکان های رهبری و چه در هریک از سازمان های حزبی حزب کمونیست پرتغال، از آزادی کامل در دفاع از نقطه نظر خود برخوردارند و خوب است که از آن دفاع می کنند. اما آنها اگر با مشی و تصمیماتی که حزب اتخاذ کرده است موافق نیستند. نباید در خارج از حزب از موضع شخصی خود حرکت کنند.

برای ارتقا شمر بخشی کار و تأمین وحدت خود رهبری بسیار ضروری است که مذاکرات در رهبری پیرامون اختلاف نظرهای موجود پیش از آن که ضرورت می طلبد به درازا نکشد. باید تا آنجا بحث کرد که مسأله روشن شود. اما نباید مباحثات را به یلمیک بی پایان تبدیل کرد. به همین ترتیب زمان، توجه و انرژی رهبری را هم نباید صرف روشن کردن اختلاف نظرهای میان اعضای آن (رهبری - م) نمود. اگر چنین روندی جریان یابد رهبری از انجام وظایف خود باز می ماند و تمام فعالیت حزب به خطر می افتد.

مقدم ترین وظیفه رهبری در حزب محافظت وحدت درون حزبی است. اما به این منظور باید وحدت خود رهبری را تأمین کرد.

تجربه بین المللی با تمام وضوح گواه آن است که اگر رهبری به جای آن که سمرق وحدت باشد در برابر اعضای حزب غرق درگیری های حاد جلوه گر شود و یا (از آن هم بدتر) سرگرم رقابت شخصی و جروبحث گردد، این اوضاع قطعاً به انشعاب خواهد انجامید.

التهه در موقعیت معینی ممکن است ضرورت آن پیش بیاید که مسائل مربوط به مشی سیاسی که پیرامون آن نظرات گوناگونی وجود دارد در تمام حزب به بحث گذاشته شود.

به علاوه، پیشبرد مباحثات در شکل دموکراتیک، که اعضای حزب در جریان آن نقطه نظرات خود را طرح می کنند و در تدوین نهایی خط مشی حزب هم می شوند یک چیز، و در معرض دید همه حزب و حتی همه محافل اجتماعی قرار دادن عقاید متضاد، مناقشات و اختلاف نظرهایی که خصلت شخصی دارند چیز دیگری است. این نمونه ها هیچ وجه مشترکی با دموکراسی درون حزبی ندارد و صرفاً سزاوار تاسف و انعکاس بی کفایتی رهبران و بی اعتنائی آنان به منافع عالی حزب است.

کار رهبری بسته به آن که چگونه باشد و چقدر ارزش داشته باشد می تواند سزاوار ارج گذاری باشد یا نباشد. اما در مورد این کار می توان بر اساس سمرقی هم که ارائه می دهد قضاوت کرد.

همان طور که نمونه های خوب سمرق رفتار شایسته هستند، نمونه های بد هم گراشات و اعمال منفی را موجب می شوند و آن ها را رشد می دهند.

به همان نسبت که وحدت رهبری عامل نیرومند وحدت درون حزبی است، به همان نسبت هم انشعاب در رهبری بطور اجتناب ناپذیر به انشعاب در حزب می انجامد.

دین رهبری حزب در آن است که نه نمونه های بد، که نمونه های خوب به حزب ارائه دهد. و یکی از ارزشمندترین نمونه هایی که از اهمیت تربیتی برخوردار است و رهبری می تواند ارائه دهد، همان وحدت رهبری است.

در حزب کمونیست پرتغال از دیر باز چنین نمونه ای ارائه می شود.

موازن سازمانی تأمین وحدت

اساسنامه حزب حاوی اصول و موازینی است (در ارتباط با انضباط و ممنوعیت فراکسیون) که یکی از اهداف آن تأمین وحدت رهبری حزب است.

مقصود از انضباط، تعهد همه اعضای حزب است نسبت به عمل کردن در انطباق با خط مشی حزب و انجام تصمیمات و فرامین آن، ضمن آن که نقض کننده انضباط تنبیه می شود.

ممنوعیت فراکسیون، هرگونه تلاش برای ایجاد گروه بندی های درون حزبی بر پایه پلا تفرم، اختلاف نظر و نیز بر پایه پشتیبانی از این یا آن کادر حزبی و عقیده او را بطور واقعی منع می کند.

صحبت بر سر احکام و موازین مهم اساسنامه ای است. کسی که تصمیم می گیرد عضو حزب کمونیست پرتغال شود متعهد می شود این اصول و موازین را اجرا کند. این امر به معنای آن است که برای حزب کمونیست پرتغال قابل قبول نیست که اعضای آن در خارج از حزب، از خط مشی متضاد با خط مشی حزب دفاع نمایند، تصمیم بگیرند که کدام قرارها را اجرا کنند و کدام را نه، و در درون حزب گروه بندی های با مشی خاص خود ایجاد کنند و درون حزب به مثابه گروه های سازمانی که بر علیه خط مشی حزب و تصمیمات اتخاذ شده مبارزه می کنند عمل نمایند.

بدون تردید این اصول و موازین راه اقدامات و اعمال احتمالی را که می تواند به وحدت حزب خدشه وارد آورد سد می نماید. لیکن کاملاً نادرست است اگر فکر کنیم که وحدت عمدتاً حاصل وجود انضباط و رعایت آن و نیز ناشی از ترس از مجازات و بخاطر ایجاد فراکسیون و فعالیت فراکسیونی است.

زمانی که دعوت به رعایت انضباط و منع فراکسیون ضروری می شود، وحدت دیگر نقض شده و یا تحت مخاطره قرار گرفته است.

بدین جهت تنها در موارد بسیار حاد و استثنایی که بوسیله وضعیتی که پیش آمده است معین می شود می توان وحدت را از طریق دعوت صریح به انضباط و از طریق اقدامات صریح علیه فعالیت فراکسیونی و کاربرد مجازات های انضباطی تأمین نمود.

خود مفهوم انضباط در معنای حقیقی خود، به لحاظ محتوا بسیار بسیار غنی تر از آن تعریفی است که صرفاً به مثابه تکلیف رعایت انضباط از آن ارائه می شود.

رعایت انضباط (همانطور که محکوم دانستن هر جریان فراکسیونی هم) تکلیفی نیست که - در صورت عدم اجرای آن - خطر مجازات دربر داشته باشد. برعکس انضباط به بخشی از عادات، قضاوت ها و آگاهی غیر قابل تفکیک از تفکر و تربیت کمونیستی تبدیل می شود.

وحدت حزب و سرشت و نیروی این وحدت همانطور که در بالا گفته شد از انضباط و ممنوعیت حرکت فراکسیونی ریشه نمی گیرد، بلکه ناشی از همان علل گوناگون بسیار عمیق تری است که حاصل تمامی جوانب فعالیت حزبی است.

نشان استحکام وحدت حزب کمونیست پرتغال این حقیقت است که اصول اساسنامه ای عملاً هیچگاه برای تأمین وحدت به کار گرفته نمی شود.

غلبه بردشواری‌ها در دستیابی به وحدت درونی حزب

وحدت درون حزبی استوار حزب کمونیست پرتغال واقعیت ازلی ابدی نیست، بلکه شکل حیات حزب است که پیدایش، شکل‌گیری و تکمیل شدن آن طی دهها سال فعالیت این حزب متحقق شده است. وحدت حزب کمونیست پرتغال حاصل تجربه چندین ساله‌ای است که از درس‌های فوق‌العاده مهمی که از زندگی بدست آمده است تشکیل می‌شود.

حزب دریافته است که چه بهای سنگینی باید بخاطر درگیری‌های درون حزبی و انشعابات پرداخت. حزب آموخته است که علل درگیری‌ها و انشعاب‌ها را باز شناسد. آموخته است که چگونه اشتباهات سیاسی، تصمیمات سازمانی نادرست، قرارهای غیرقابل کنترل فردی و برخورد ناروا با مسائل کادرها، محیط درگیری، مناقشه و انشعاب آفرینی ایجاد می‌کند.

حزب اهمیت وحدت را چشیده و باز شناخته و راه‌ها و شیوه‌های غلبه بردشواری‌های درون حزبی و تحکیم وحدت در تمامی جوانب آن را دریافته و کشف کرده است.

دشواری‌های دستیابی به وحدت حزب در برخی موارد به چاپچایی، فرار، اخراج، دسته‌بندی و انشعاب منجر شده است. در موارد دیگر، این امر در درگیری‌های درون حزبی بازتاب یافته که در رفع آن‌ها از طریق مباحثه و اتخاذ تصمیم برپایه دموکراسی درون حزبی توفیق حاصل گردیده است. چه در این و چه در آن موارد، نهایتاً وحدت حزب تامین گشته است.

در تاریخ حزب باید از پنج موقعیت جدی یاد کرد

اولین مورد در سال‌های ۲۰ و در ارتباط با درگیری حاصله بین گروه‌های کارلوس راتس و ژوزه دساوژ پدید آمد. درگیری به شیوه اداری و به سود راتس (که به زودی حزب را لوداد) حل شد. علیه مخالفین مجازات‌هایی وضع شد که سازماندهی کار حزب در شرایط کار مخفی را کند می‌کرد.

دومین مورد در دوره تجدید سازماندهی حزب در سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۴۰ روی داد. در آن زمان به موازات تجدید سازماندهی حزب کمونیست پرتغال، گروهی آغاز به فعالیت کرد که خود را "حزب کمونیست پرتغال" می‌نامید. این وضعیت منجر به اخراج و با بیرون رفتن شماری از رفقا از حزب گردید. طی دو سال تا از بین رفتن به اصطلاح "گروهمندی توطئه‌گر"، کار حزب در بخش‌های مختلف مختل بود.

چنین وضعیتی برای بار سوم در نتیجه اختلاف نظرهایی که بین رفقای اسیر در بازداشتگاه "تارافال" پدید آمده بود، شکل گرفت. این وضعیت به بوجود آمدن گروهی منجر شد که اعضای سرشناس حزب که در سال‌های ۱۹۴۶-۱۹۴۵ در مقابل خط مشی حزب - مصوب کنگره سوم حزب کمونیست پرتغال در سال ۱۹۴۲ - پلاتفرم "سیاست بینابینی" را طرح می‌کردند به پیوستند. این بحران در جریان مباحثه درون حزبی مرتفع گردید. کنگره چهارم حزب کمونیست پرتغال که در سال ۱۹۴۶ تشکیل شد پایان این ماجرا بود. شخصیت‌های سرشناس حزب که از

"سیاست بینابینی" دفاع کرده بودند برای ترکیب کمیته مرکزی پیشنهاد و انتخاب شدند و بعد از مدتی، از مواضع پیشین خود انتقاد کردند و این انتقاد از خود در صفحات مطبوعات حزبی منعکس شد.

چهارمین باری که حزب چنین وضعیتی را از سر گذراند در سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۱ و در ارتباط با انحراف راست ("حل مسالمت آمیز" معضل سیاسی پرتغال) و گرایش آنارشیستی - لیبرالی در کار رهبری بود. این وضعیت مباحثه وسیع، رادیکال به دنبال داشت که به آنجا انجامید که انحراف راست مغلوب شد و مشی انقلابی حزب در کنگره ششم تکامل بیشتری یافت و در برنامه حزب که در این کنگره به تصویب رسید تثبیت گردید. فائو آمدن بر این بحران به مدد تلاشهای دسته جمعی کادرهای حرفه‌ای مسئول حزب عملی شد، اگر چه آنها نیز در مواضع مختلفی قرار داشتند.

در سال‌های ۱۹۶۴-۱۹۶۲ برای بار پنجم چنین وضعیتی در حزب بوجود آمد و برخی اعضا برای تشکیل گروه‌های مائوئیستی از صفوف حزب بیرون رفتند. از این رویدادها و موقعیت‌ها و از نکات مثبت و منفی آن درس‌های فوق‌العاده مهمی در ارتباط با وحدت حزب بدست آمد.

از درس‌ها و اشتباهات ناشی از نارسائی‌ها و معیارهای نادرست برمی‌آید که نباید در محکوم کردن و اتخاذ تدابیر انضباطی بدون دلایل جدی و بدون پیشبرد تحلیل عینی و بی طرفانه عجله کرد؛ نباید گذاشت تفاوت عقاید و اختلاف نظر ماهه ساله کادرها و به درگیری‌های شخصی تبدیل شود؛ نباید از روش‌های فردی و خودسرانه رهبری و اتخاذ تصمیم، پیروز در رابطه با مسائل بحث آشکار و مینکام ارزیابی کادرها، استفاده کرد؛ باید مانع آن شد که ایده‌ها پرسونالیزه شوند (در چهره افراد تشخص پیدا کنند - م)؛ ارزیابی کلی از قلان کادرهای حزب را نباید تنها بر پایه نظر اتش که اشتباه شده می‌شود انجام داد؛ پس از پایان مباحثات و تصمیم گیری جمعی نباید از "برنده‌ها" و "بازنده‌ها" صحبت کرد؛ نباید (به استثنای موارد خاص) به اصطلاح "یک دست شدن" سازمان‌های حزبی را ملاک قرار داد، یعنی رفقای مخالف را اخراج کرد و دیگر رفقای را که در نظری که سرانجام به تصویب رسیده است سهیم هستند جذب کرد.

از میان درس‌های مربوط به معیارها و شیوه‌هایی که صحیح و معطلان‌آلود است باید به درس‌های زیر اشاره کرد: باید کلکتیو را چنان تربیت کرد که همه اعضای آن حاضر باشند حداقل نیروی خود را وقف تامین وحدت حزب نمایند؛ باید با پیگیری و شکپهایی به کار توضیح گرانه پرداخت و در جهت عقب‌بخشیدن به تجزیه و تحلیل و بحث پیرامون وضعیت پدید آمده تلاش کرد؛ باید همه مساعی ممکن را برای جلوگیری از درگیری به کار بست؛ نه به علت اختلاف نظر، بلکه در رابطه با نقض جدی اصول سازمانی باید به تدابیر انضباطی توسل جست؛ باید تفاوت آرا و اختلاف نظر را اکیدا از زاویه ایده‌ای و سیاسی مورد نظر قرارداد و کوشید تا آنها را از طریق پیش برد مباحثات دموکراتیک و تصمیم گیری‌های جمعی مرتفع ساخت. این تجربه و این درس‌ها به موازات دیگر تجارب حاصله از فعالیت حزب، در کار رهبری و در سیاست مربوط به کادرها به کار گرفته می‌شود و جزئی

از شیوه‌های سانترالیزم دموکراتیک و شبکه کار حزب را تشکیل می‌دهد.

بهره‌گیری از این درسها و تجارب موجب غلبه بردشواری‌های پدید آمده در راه وحدت درون حزبی و تهیه و تنظیم مشی و استاهای فعالیت سیاسی حزب را فراهم آورده است و وحدت خلل‌ناپذیر حزب کمونیست پرتغال را مایه افتخار کمونیستهای پرتغال ساخته است

وحدت، نیروی قوام‌دهنده حزب

وحدت یکی از مثبت‌ترین وجوه حیات حزب کمونیست پرتغال است.

وحدت، یکجا گرد آوردن همه توانائی‌ها، نیرو، انرژی و وسایل و بهره‌گیری از آنها برای دستیابی به هدف‌های تعیین شده را امکان‌پذیر می‌سازد.

وحدت درون حزبی به فعالیت کل حزب نیروی می‌بخشد که به مراتب فراتر از مجموعه اعمال فردی تمامی اعضای آن است، وحدت موجب صرفه جویی فوق‌العاده در منابع موجود و شرط ایده‌آل بهره‌گیری کامل از کارایی‌هاست. وحدت به خودی خود منبع انرژی و قابلیت متحقق کردن انرژی است. حزبی که اسیر درگیری‌های درونی و انشعاب است، بخصوص اگر در رابطه با رهبری و برخی رهبران باشد، بخش قابل توجهی از انرژی، حواس و وقت خود را صرف مباحثات و جروبحث‌هایی خواهد کرد که گاهی از زندگی و مبارزه زحمتکش و توده‌های خلق بسیار فاصله دارد. در این موارد فعالیت حزب بطور اجتناب‌ناپذیر آنگذر تضعیف می‌شود که خود موجودیت حزب معنای خود را از دست می‌دهد.

حزب کمونیست پرتغال به تجربه خود، اگر چه در دوره‌های کوتاهی از تاریخ خویش، می‌داند که چگونه درگیری‌های داخلی می‌تواند حزب را متوجه درون خود کرده، از طبقه توده‌ها بکسلاند.

دیگر چندین سال است که در حزب کمونیست پرتغال از درگیری و انشعاب (به استثنای موارد نادری در سازمانهای میانی و پائینی) خبری نیست. این امر به حزب امکان می‌دهد که همیشه متوجه بیرون باشد و انرژی و توانائی‌های خود را وقف طبقه کارگر و توده‌های خلق نماید.

وحدت حزب در عین حال سرمشق الهام بخشی است برای وحدت زحمتکش و پایه‌ای است برای اعتبار، نفوذ و اتوریته حزب.

طبیعی است که وحدت حزب کمونیست پرتغال مایه شادی ارتجاع و احزاب دیگری که در آنها دشمنی اختلاف نظر، درگیری و انشعاب بالایی نیست. و از آنجا که در حزب کمونیست پرتغال انشعاب نیست، ارتجاع می‌کوشد چنین انشعاب‌هایی را اختراع کند. این هم برای جلب نیست چرا که این خیال پردازی‌ها هم احقانه است. برای ارتجاع مهم آن است که بکوشد سیمای حزب کمونیست پرتغال را مخدوش سازد و تحریف نماید.

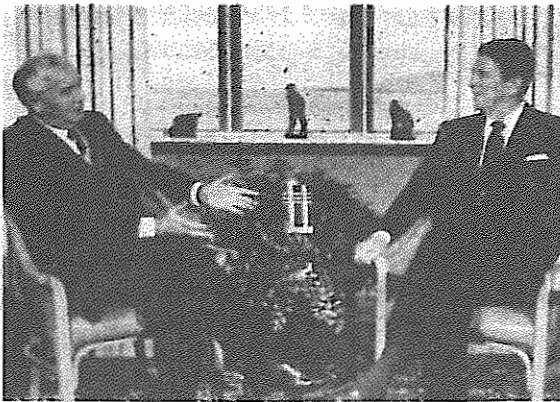
برخلاف این دروغ‌پردازی‌ها، حقیقت آن است که رهبری حزب کلکتیوی است به سختی منسجم و نمونه‌ای است از وحدت عالی مداوم و خلل‌ناپذیر. وحدت تمام حزب به اقتضای وحدت رهبری، این امر برخلاف دیگر احزاب پرتغال نمونه‌ای است منحصر به فرد از استحکام و منطق سیاسی سازمانی.

وحدت حزب اساس قدرت آن است.

مذاکرات ریکیاویک به نتیجه نرسید ریگان فقط "جنگ ستارگان" را می خواهد

✱ گارباچف، آمریکایی ها بدست خالی به ریکیاویک آمده بودند.
✱ تقریباً همه ناظران موضع ریگان را که باعث بی نتیجه ماندن دیدار
ریکیاویک شد، محکوم کردند

بقیه از صفحه اول



پیشنهادهای شوروی

در آستانه مذاکرات ریکیاویک که به ابتکار اتحاد شوروی انجام گرفت، رهبری شوروی کار تدارکاتی گسترده ای انجام داد تا این مذاکرات به ثمر بنشیند و آرزوی میلیاردها انسان در سراسر جهان مبنی بر آغاز خلع سلاح و کاهش خطر جنگ فاجعه بار هسته ای برآورده شود. بگونه ای که میخائیل گارباچف در سخنرانی تلویزیونی سه شنبه گذشته خود اعلام کرد، در این کار تدارکاتی، علاوه بر دفتر سیاسی و دبیران کمیته مرکزی حزب، وزارت خارجه، وزارت دفاع و سایر ارگان های مرکزی دولتی، دانشمندان، کارشناسان نظامی و متخصصان صنایع مختلف شرکت داشتند. رهبری شوروی همچنین با رهبران سایر کشورهای سوسیالیستی مشورت هایی انجام داده بود. میخائیل گارباچف و همراهانش با دستان پر به ایستادن رفتند.

طرف شوروی در مذاکرات ریکیاویک، پایبندی به اصول را با بیشترین میزان انعطاف پذیری به منظور حصول توافق در زمینه مسائل حیاتی بشریت، تلفیق کرد. به گفته گارباچف، موارد بسیار برجسته انعطاف در مواضع شوروی، که از احساس مسئولیت عمیق در قبال سرنوشت صلح جهانی نشأت گرفته است، حتی تعجب ریکان و شولتز را برانگیخت. نمایندگان آمریکا در مذاکرات و ساعات اول نمی دانستند چگونه باید از پذیرش پیشنهاد های شوروی طفره ببرند. این پیشنهاد ها حاوی نکات جدید زیر بود:

— اتحاد شوروی پیشنهاد کرد سلاح های استراتژیک دو طرف، اعم از موشک های قاره پیمای مستقر در خشکی، زیر دریایی های حامل تسلیحات اتمی استراتژیک و بمب افکن های دوربرد ۵۰ در صد کاهش یابند. رهبری شوروی حاضر شد تعریف قبلی سلاح های استراتژیک دیگر مملکت قرار نگیرد.

طبق این تعریف، همه سلاح هایی که دو طرف می توانستند با آن قلمرو دیگری را هدف قرار دهند، استراتژیک محسوب می شدند. در نتیجه موشک های آمریکایی مستقر در اروپا در این زمره قرار می گرفتند، امری که کاملاً طبیعی و منطقی بود. اما اتحاد شوروی حاضر شد برای گرفتن هر گونه بهانه از دست واشنگتن، تعریف مطلوب ریکان مملکت باشد، و سلاح های استراتژیک محدود به سه نوع فوق الذکر کردند. رهبری شوروی پذیرفت که موشک های میان برد بریتانیا و فرانسه

در محاسبه موازنه قوا در اروپا منظور نگردد. طبق پیشنهاد شوروی، موشک های پرشینگ ۲ و کروزر آمریکا و موشک های اس-اس-۲۰ شوروی می بایستی از خاک اروپا برچیده شوند. بدین ترتیب اتحاد شوروی با پیشنهاد چهار سال پیش ریکان موسوم به "راه حل صفر" موافقت کرد.

— میلت شوروی که می دانست آمریکا برای پیدا کردن بهانه ای به منظور باقی گذاشتن بخشی از موشک های خود در اروپا، مسئله موشک های برد کوتاه (تا ۱۰۰۰ کیلومتر) را مطرح

سیاستمداران غربی: ریگان مقصود است

ابتکار دفاعی استراتژیک مهم تر از کنترل تسلیحات است. پروتوکرایی سنی مدراعظم اسبق اتریش در یک مصاحبه گفت: "کم کم باید از خود پرسید دولت های اروپایی تا کی حاضرند سیاست این فرد (ریگان) را بپذیرند، در حالی که جنگ محدود هسته ای قرار است در قلمرو این دولت عاصورت پذیرد."

روژنامه "نیویورک تایمز" نوشت: "ریگان این موقعیت را داشت که موشک های میان برد آمریکا و شوروی را در اروپا از میان بردارد. در جهت قطع آزمایش سلاح های اتمی آن طور که خود تصور می کند حرکت نماید، طرف پنج سال زرادخانه سلاح های اتمی را به نصف تقلیل دهد. با کاهش بعدی آن موافقت کند. او به این امکان، "نه" گفت."

ویلی براونت رهبر حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال و صدر بین الملل سوسیالیست گفت: "این امکان وجود داشت که همه موشک های میان برد از اروپا برچیده شود. سلاح های استراتژیک تا نصف کاهش یابد. اما چنین امکانی به خاطر اندیشه های بوجی که با نام ابتکار دفاعی استراتژیک گره خورده است، تحقق نیافت."

افکار عمومی جهان با فشاری ریگان بر پروژه "جنگ ستارگان" را که مانع اصلی انعقاد موافقت نامه ای درباره کاهش تسلیحات هسته ای، در مذاکرات ریکیاویک بوده است، محکوم کردند. علاوه بر این بسیاری از شخصیت های سیاسی بر نفوذ کشورهای غربی نیز امتناع ریکان را از پذیرش پیشنهاد های اتحاد شوروی به شدت مورد انتقاد قرار دادند.

پل وارنکه، مسئول سابق عیانت نمایندگان آمریکا در مذاکرات مربوط به قرارداد "سالت ۲" اظهار داشت ریکان موقعیت بکانه تاریخی برای خلع سلاح را برپا داد. وارنکه افزود: "ابتکار دفاعی استراتژیک" و خلع سلاح نافی یکدیگرند، و تا وقتی ریکان در این زمینه حاضر به سازش نباشد، هر گونه تلاش برای کنترل تسلیحات بی فایده خواهد بود.

سناتور عضو حزب دمکرات، ادوارد کندی گفت: "موقعیت بزرگ و تاریخی موجود در ایستادن لاف در حال حاضر قربانی ابتکار دفاعی استراتژیک که اطمینانی بدان نیست، شده است." سناتور گاری مارت اظهار داشت: "نامرأ برای دولت آمریکا تحقق

خواهد کرد، اعلام نمود حاضر به نکه داشتن تعداد این سلاح ها در سطح فعلی و مذاکره درباره سرنوشت آنهاست. — اتحاد شوروی موافقت کرد تعداد کلاهک های هسته ای تسلیحات میان برد در بخش آسیایی این کشور برابر با تعداد این کلاهک ها در خاک آمریکا و معادل ۱۰۰ عدد باشد.

— برای آنکه در طول ده سال، یعنی مدت انجام موارد فوق در کاهش تسلیحات، هیچ یک از دو طرف دست به تولید و استقرار سلاح های جدید و تلاش برای کسب برتری نظامی نزنند، اتحاد شوروی خواستار آن گردید قرار داد موجود میان دو کشور درباره منیع سیستم های ضد موشکی تقویت گردد و هیچ یک از طرفین نتوانند ظرف ده سال آینده از حق خروج از این قرارداد استفاده کنند. چنین توافقی، در صورت اجراء انجام پروژه "ابتکار دفاعی استراتژیک" ریکان را به درون آزمایشگاه ها محدود می کرد.

مانورهای ریگان

میخائیل گارباچف در گزارشی که پیرامون مذاکرات ریکیاویک طی یک سخنرانی تلویزیونی ارائه نمود، گفت نخستین واکنش ریکان و شولتز در برابر پیشنهاد های فوق، نوعی سر درگمی بود. آنها که نمی دانستند چگونه باید پیشنهاد های شوروی را رد کنند، شروع به بهانه تراشیدن کردند. وقتی ریکان سخن از یک "راه حل میانی" برای موشک های میان برد در اروپا را پیش کشید، گارباچف خطاب به وی گفت: "ما پیشنهاد می کنیم "راه حل صفر" آمریکا در اروپا مورد قبول قرار گیرد و پشت میز مذاکره درباره موشک های میان برد در آسیا بنشینیم. اما شاه آقای رئیس جمهور، موضع قبلی خود را تغییر داده اید."

پس از طرح پیشنهاد های شوروی در نوبت اول گفتگوها، در فاصله ای

آغاز خروج نیروهای شوروی از افغانستان

شاه محمد دوست: خروج باقی مانده نیروهای شوروی مشروط به قطع جنگ اعلان نشده امپریالیسم علیه افغانستان است

باشد. " وزیر خارجه افغانستان اظهار امیدواری کرد آغاز خروج تعدادی از واحدهای شوروی از افغانستان، بر مذاکرات غیرمستقیم میان افغانستان و پاکستان در ژنو نیز تاثیر مثبت بگذارد. وی گفت این مذاکرات در مرحله مهمی هستند. قرار است مشتمین دور گفتگوها به زودی آغاز گردد.

خروج ۸ هزار تن از نغرات ارتش شوروی در افغانستان که تا پایان ماه اکتبر ادامه خواهد داشت، بر زمینه‌ای از پیروزی‌های نظامی ارتش افغانستان در عملیات اخیر علیه اشرار ضدانقلابی انجام می‌گیرد. در حمله پیروزمندی که علیه مواضع ضدانقلابیون در استان هرات انجام گرفت، ضربات سهمگینی بر اشرار وارد آمد، به طوری که سردهسته باند "جمعیت اسلامی" از همه ضدانقلابیون خواست در سراسر افغانستان دست به خرابکاری بزنند تا بلکه در هرات از فشار نیروهای انقلاب بر مواضع اشرار کاسته شود. همچنین منابع غربی اعتراف کردند هفته گذشته در شمال کابل اشرار شکست سنگینی متحمل شده‌اند.

در حال حاضر نیروهای اتحاد شوروی در افغانستان تنها وظایفی در زمینه دفاع از راه‌های اصلی ارتباطی و تأسیسات مهم و حفظ جان مردم غیرنظامی برعهده دارند.

در نتیجه پیروزی‌های مهم اخیر ارتش افغانستان بر نیروهای ضدانقلابی، برهان الدین ربانی رئیس باند اشرار موسوم به "جمعیت اسلامی" خواهان افزایش حمایت آمریکا از ضدانقلابیون شده

چهارشنبه گذشته با بد رقه پر شور مردم کابل، خروج ۸ هزار نفر از نیروهای شوروی که جمعا شش هنگ را تشکیل می‌دهند، از افغانستان آغاز شد. شاه محمد دوست وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل اظهار داشت خروج شش هنگ شوروی، نشانه حسن نیت شوروی و افغانستان و در خدمت حل اوضاع پیرامون افغانستان است. ژنرال میخائیل زوتسکوف، نماینده ستاد کل ارتش شوروی، در این کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت این شش هنگ از سال ۱۹۷۹ در افغانستان مستقر بوده‌اند و اکنون به پادگان‌های خود در جمهوری شوروی ترکمنستان و سایر مناطق آسیای میانه بازمی‌گردند.

وزیر امور خارجه افغانستان گفت اقدام به بازگرداندن بخشی از نیروهای شوروی که تصمیم آن توسط دو کشور گرفته شده است، با تحکیم همه جانبه قدرت دولتی و ادامه تقویت توان رزمی نیروهای مسلح افغانستان امکان‌پذیر گردید. وی افزود خروج باقیمانده نیروهای شوروی پیرو قطع جنگ اعلان نشده امپریالیسم علیه کشورش خواهد بود. شاه محمد دوست، پایان دادن به مداخله و تجاوز خارجی را شرط اصلی برای برقراری صلح و امنیت در افغانستان خواند. ژنرال زوتسکوف در این باره اظهار داشت: "عقب نشینی کامل واحدهای شوروی از افغانستان با توافق دولت افغانستان و تنها زمانی صورت خواهد گرفت که دیگر مداخله‌ای از خارج در امور داخلی افغانستان وجود نداشته

قطعنامه یازدهمین کنگره

۲. ستاثر این جنگ بر اقتصاد و زندگی کارگران و کشور بسیار مخرب است. ادامه آن خطری واقعی برای رفاه مردم منطقه محسوب می‌شود و به حاکمیت ملی آنان لطمه می‌زند. این جز در خدمت منافع امپریالیسم، صهیونیسم و نیروهای ارتجاعی نمی‌تواند باشد.

۳. حضور ناوگان آمریکا در منطقه مدیترانه و خلیج فارس، مداخله امپریالیسم در منطقه را افزایش می‌دهد و صلح جهانی را تهدید می‌کند.

۴. کنگره تاسف خود را از این که تمام

انتظار دارید وعده شما را در مورد آگاه کردن ما از نتایج "ابتکار دفاعی استراتژیک" باور کنیم. این امر نوعی "انقلاب دوم آمریکا" خواهد بود. اما انقلابها نادرند. بگذارید واقع بینانه وقابل اجرا فکر کنیم. " در مذاکرات ریکیاویک روشن شد که هدف از "جنگ ستارگان"، دفاع از خاک آمریکا در برابر موشکهای شوروی نیست. اتحاد شوروی پیشنهاد کرد این موشکها به تدریج از بین برده شوند. اگر موشکی در میان نباشد، چه نیازی به سیستم ضد موشکی هست؟ بنابراین، هدف از "ابتکار دفاعی استراتژیک" ریگان، کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی است. این طرح ماجراجویانه، در انتظار همه جهانیان به عنوان مانع اصلی امر خلع سلاح افشا گردید.

مذاکرات ایسلند مولفیت جدیدی ایجاد کرد

میخائیل گارباجف در کنفرانس مطبوعاتی خود که بلافاصله پس از بی نتیجه ماندن گفتگوها در ریکیاویک برگزار شد، علت خودداری ریگان از پذیرش پیشنهادهای شوروی را این که می‌توانست "عصر جدیدی" در روابط جهانی بگشاید، پیروی دولت آمریکا از مجتمع نظامی-صنعتی دانست. وی گفت مجتمع نظامی-صنعتی "قدرت را در دست دارد، و رئیس جمهور فاقد آزادی تصمیم گیری است."

رهبر شوروی در سخنرانی تلویزیونی سه شنبه گذشته، اعلام کرد علیرغم بی نتیجه ماندن گفتگوهای ایسلند، این مذاکرات موقعیت کیفی جدیدی ایجاد کرده است، موقعیتی که در آن هیچ کس نمی‌تواند مانند گذشته عمل کند. وی افزود، "این ملاقات، سودمند بود و زمینه را برای یک گام احتمالی به جلو، به سمت یک چرخش واقعی در جهت بهبود، در صورتیکه ایالات متحده آمریکا بالاخره مواضع واقع بینانه اتخاذ کرده و در ارزیابی اش تابع تصورات موهم نماند، آماده ساخت."

گارباچف تأکید کرد پیشنهادهای کشورش که در ایسلند ارائه شد، به قوت خود باقی است. پس از دیدار ایسلند، تقریباً همه ناظران بین‌المللی مسئولیت بی نتیجه ماندن این دیدار را به عهده ریگان دانستند.

که تا آغاز دور دوم (عصر روز شنبه ۱ اکتبر) باقی مانده بوده، میلت آمریکایی تلاش کرد بهانه‌های جدیدی برای عدم پذیرش پیشنهادهای شوروی بیابد. در نوبت دوم مذاکرات، ریگان انواع و اقسام "راه حل‌های میانی" و آمار و ارقام و جدول‌ها را پیش کشید. دبیرکل حزب کمونیست شوروی بعداً در سخنرانی خود این مانورهای ریگان را چنین توصیف کرد: "فقدان حتی یک اندیشه نو، یک شیوه عمل جدید، حتی یک ایده که کوچکترین نشانه‌ای از هر گونه راه حل و پیشرفت داشته باشد... روشن شد که آمریکایی‌ها به ریکیاویک آمده بودند بدون آنکه چیزی در دست داشته باشند... رئیس جمهور آمریکا آماده نبود مسائل اصولی را در مقیاس بزرگ حل کند."

اما عاقبت بر اثر تلاش‌های پیگیر طرف شوروی، طرفین در مورد همه موارد به غیر از "جنگ ستارگان" به توافق رسیدند. دو گروه کار از سوی اتحاد شوروی و آمریکا در تمام ساعات شب یکشنبه ۱۲ اکتبر درباره همه موارد توافق و بحث، به گفتگو نشستند. در نتیجه، امکان آغاز تدوین موافقتنامه‌ای درباره سلاح‌های استراتژیک و سلاح‌های میان برد فراهم آمد. بدین ترتیب، مسئله قرارداد منع سیستم‌های ضد موشکی یا به عبارت دیگر مسئله جنگ ستارگان، به مهمترین مسئله در ادامه مذاکرات تبدیل شد.

جنگ ستارگان

مانع اصلی خلع سلاح

در دور سوم گفتگوها، اتحاد شوروی پیشنهادهای خود را در مورد تقویت قرارداد "ای. بی. ام" (منع سیستم‌های ضد موشکی) و قطع انفجارهای هسته‌ای تدقیق کرد. اما رئیس جمهور آمریکا، حاضر نشد از ایده ایجاد یک چتر ضد موشکی بفرزاد ایالات متحده دست بکشد. وی به گارباجف پیشنهاد کرد اتحاد شوروی با ادامه انجام این پروژه موافقت کند و در عوض، آمریکا هر وقت به نتیجه رسید، ترات تحقیقات را در اختیار اتحاد شوروی نیز بگذارد. پاسخ گارباجف چنین بود: "آقای رئیس جمهور، من این فکر شمارا جدی نمی‌گیرم. شما حتی حاضر نیستید به ما تأسیسات استخراج نفت و دستگاه‌های مخصوص کاوداری را بفروشید، اما

باید ارباد صلح جهانی!

بقیه از صفحه اول

تلاش‌های سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیر دولتی برای پایان بخشیدن به این جنگ با شکست مواجه شده است، ابراز می‌دارد و از تمام ابتکارات سازنده برای پیدا کردن راه حل عادلانه برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق استقبال می‌کند و تمام نیروهای دمکراتیک و صلح دوست و جنبش جهانی سدیکاها را به تشدید تلاش نزد طرفین، برای برقراری صلح عادلانه و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای مذبور فرا می‌خواند.

اقلیت: مترجمین در کمین نشسته اند

بدست بگیرند." در اعلامیه مزبور مشخصه ها و وظایف حکومتی که باید پس از براندازی رژیم جمهوری اسلامی مستقر شود اینگونه ترسیم شده است: "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران... از استقرار یک حکومت انقلابی - دموکراتیک در ایران دفاع می کند که در آن قدرت سیاسی در دست کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد... سازمان ما با هر شکل حکومت مذهبی مخالف است و خواهان جدائی کامل دستگاه دولت از مذهب می باشد. ما از حکومتی دفاع می کنیم که حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم را برسیت بشناسد. هر گونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت، ملیت و قومیت را ملغی سازد. ما از یک حکومت انقلابی - دموکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران دفاع می کنیم که قادر است

در سالگرد جنگ اعلامیه ای با عنوان "قیام مسلحانه، راه حل انقلابی پایان دادن به جنگ" و با امضا "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" (اقلیت) منتشر شده است. در این اعلامیه ضمن تشریح فجایع ناشی از جنگ و جنایات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و تأکید بر ضرورت براندازی این رژیم، آمده است: "تجربه نشان داد که تنها سرنگونی رژیم کافی نیست، بلکه مهم تر از آن قدرت سیاسی است که باید در دست توده های مردم قرار بگیرد تا باردیگر مترجمین زمام امور را در دست نگیرند و بر مقدرات مردم حاکم نشوند. ما بر این مسئله بهمان اندازه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تأکید می کنیم، چرا که از هم اکنون مترجمین در کمین نشسته اند تا با سرنگونی جمهوری اسلامی، دوباره قدرت را

اعتصاب غذا در استکهلم

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) در خارج از کشور که مدتهای زیادی از کار فعال مبارزاتی علیه رژیم جمهوری اسلامی باز داشته شده بودند، در سالگرد جنگ به این وقفه در از مدت پایان داده و در افشای تبهکاریهای رژیم اقداماتی انجام دادند، از جمله این اقدامات اعتصاب غذای هواداران این سازمان در سوئد است که از ۱۷ سپتامبر تا ۲۱ سپتامبر به طول انجامید. خوارستای اعتصاب کنندگان چنین بوده است:

"۱ - از مبارزات خلقهای ایران علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پشتیبانی کنید.

۲ - صدور اسلحه سوئد به ایران را متوقف کنید"

۷ کشته

نتیجه آخرین درگیری مسلحانه

کومله و حزب دمکرات

"بولتن خبری کردستان ایران" که از سوی حزب دمکرات کردستان ایران، در اروپا منتشر می شود، خبر داده است در روز ۲۲ شهریور یکبار دیگر میان پیشمرکه های حزب دمکرات و افراد مسلح کومله زدو خورد شدیدی در گرفت. در این زدو خورد، که در حوالی روستای "هیریش شاول" در منطقه بوکان رخ داد، هفت تن از طرفین به قتل رسیدند که چهار نفر آنها پیشمرکه حزب دمکرات بودند.

در همین شماره بولتن خبری (شماره ۱۶۲) هم چنین اخباری از عملیات نظامی حزب دمکرات علیه نیروهای رژیم خمینی در طول شهریور ماه داده شد که از جمله آنها عملیاتی در منطقه اشویه بود. بنوشته بولتن، در این عملیات، در منطقه دول، لوله صادراتی گاز ایران - ترکیه منفجر گردید.

"راه کارگر" و مسئله پناهندگان

مواضع استواری نشان دهد و بار دیگر ملاکهای راهنمای عمل قرار ندهد که پایبندی به آنها باعث گردید کوشش های پیشین فعالین این سازمان برای کار در میان پناهندگان هیچ نتیجه ای به بار نیاورد. اعلامیه مزبور با این شعار پایان می یابد که "مستحکم باد اتحاد کلیه نیروهای ترقیخواه و انقلابی ایرانی و خارجی برای دفاع از حقوق صنفی و دموکراتیک پناهندگان! اما از آنها که تاکنون راه کارگر میچکانه نخواستند است از "نیروهای ترقیخواه و انقلابی" ایرانی مورد نظرش نام ببرد و نیز نظرگاه رسمی این سازمان از نیروهای ترقیخواه و انقلابی "خارجی" با تلقی برخی از گروهها از قبیل "کومله" و "هواداران پیکار سابق" - که در اتحاد عمل با راه کارگر قرار دارند مغایرت دارد، روشن نیست که هواداران راه کارگر چگونه باید در راستای مضامین شعار فوق حرکت کنند.

در پی اعمال تشییقات فزاینده بر علیه پناهندگان ایرانی در آلمان فدرال، از سوی "کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)" اعلامیه ای به تاریخ ۱۸ شهریور صادر گردید. در این اعلامیه با اشاره به این تشییقات، اهداف احزاب دست راستی و انحصارات امپریالیستی در آلمان فدرال افشا گردید و در پایان نتیجه گیری شد "اکنون که احزاب دست راستی شدیداً علیه حقوق پناهندگی موضع گیری و فعالیت می کنند، پناهندگان نیز باید به مبارزات دموکراتیک خود بپیازند و تشکلهایشان را مستحکم کنند."

اعلام چنین مواضعی از سوی راه کارگر، مسئولانه و منطبق بر نیازهای واقعی پناهندگان است و نفی نظرگاهی است که حضور پناهندگان را در "زیر یک سقف" برای پی جویی اهداف دموکراتیک ناممکن می شمرد. انتظار اینست که راه کارگر بتواند در این

مصاحبه بازرگان

با روزنامه کیهان

بنابه خبری که از سوی "نهضت آزادی" منتشر شده است، چندی پیش روزنامه دولتی کیهان مصاحبه ای با مهندس بازرگان انجام داد که هنوز در این روزنامه درج نگردیده است. این مصاحبه به دنبال توصیه ولیعهد خمینی در تیرماه به روزنامه ها پیرامون درج نظرات "معتقدین به نظام جمهوری اسلامی" صورت گرفت. نخستین رئیس دولت جمهوری اسلامی در این مصاحبه ضمن "تقدیر و تشکر" از "شهامت و صراحت آیت الله العظمی منتظری" گلایه کرد که چرا برای نشر نظرات "گروههای طرفدار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی" محدودیت هائی دیده می شود. بازرگان در پایان این مصاحبه اظهار نظر کرد که اظهارات منتظری "به قصد تسکین و تبلیغ بیان نشده است بلکه احتمالاً مقامات و یقیناً آیت الله منتظری به این نتیجه رسیده اند که فضای باز سیاسی... شرط لازم جهت تفاهم و همکاری طبقات ملت برای خروج از بن بست های موجود و چاره جویی بحرانی می باشد." وی سپس ضمن توصیه هایی به مسئولین، به مردم تذکر داد که "پذیرش این دگرگونی... از جانب ملت و مردم با شایوری و عدم آمادگی مواجه نشود" وی هم چنین افزود که "بازگشت به آزادی نباید بهم ریختگی و فروپاشی نظام و قرارها باشد"

تشدید تبلیغات ضد انقلابی سلطنت طلبها

جنگ کشور اساساً توسط چند فرستنده رادیویی قوی پیش برده و هماهنگ می شود. آنها برای این کار مهالغ کزافی خرج می کنند. مخارج مختلف این تبلیغات توسط محافل امپریالیستی، سخاوتمندانه در اختیار آنان قرار می گیرد.

تبلیغات شدت بیشتری خواهد یافت و شاپور بختیار به منظور گسترش "فعالیت های خود در ایران... در خارج از مملکت... میزان پرداختی های خود را به نحو قابل ملاحظه ای کاهش خواهد داد." تبلیغات پاندهای سلطنت طلب در

سلطنت طلبها که در ماههای اخیر و پس از مذاکرات سه جانبه رضا پهلوی - امینی - بختیار، تشبیهات خود را افزایش داده اند، با جنجال آفرینی های تبلیغاتی می کوشند اذهان را متوجه خود نمایند. به نوشته کیهان لندن (۲۴ مهر ۶۵) این

۲۰۰۰ تن در زلزله سالوادور کشته شدند



پیرزنی در برابر ویرانه‌های خانه‌اش.

زلزله جمعه دهم اکتبر سان سالوادور پایتخت سالوادور که خبر کوتاه آن را در شماره گذشته "اکثریت" آوردیم، بیش از شمار پیش‌بینی شده قربانی گرفته است. آگاهان، آمار کشته‌شدگان را حدود دوهزار تن ذکر می‌کنند. جستجو در زیر آوارهای پدید آمدن اجساد قربانیان و نیز مجروحین ادامه دارد.

چپه‌رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی اعلام کرد به منظور تسهیل کمک‌رسانی به قربانیان زلزله، هرگونه عملیات نظامی علیه نیروهای رژیم دوارته را متوقف ساخته است و خواهان آن گردید که ارتش سالوادور نیز بدین منظور از ادامه درگیری‌های مسلحانه خودداری کند. میهن‌پرستان سالوادور هشدار دادند ممکن است رژیم دوارته از کمک‌های بین‌المللی به قربانیان زلزله، در جهت اهداف سیاسی و نظامی خود استفاده کند. چپه‌ر فارابوندو مارتی از دولت سالوادور خواست بخشی از کمک‌های نظامی میلیونی آمریکا را صرف بهبود وضع مجروحین و آوارگان زلزله کند.

اخبار کوتاه

* حزب کمونیست یونان در انتخابات شهرداری‌های این کشور پیروزی درخشانی بدست آورد. کاندیداهای حزب کمونیست توانستند در دو شهر لاریسا و ایراکلیون آرای حزب خود را به دو برابر (به ترتیب ۲۱ و ۲۲ درصد) افزایش دهند. ۱۸۰ تن از کاندیداهای حزب کمونیست برای احراز مقام شهرداری در انتخابات پیروز شدند. مرحله دوم انتخابات شهرداریها روز یکشنبه ۱۹ اکتبر برگزار گردید که هنوز نتایج آن بدست ما نرسیده است. ۶۰۰ تن از کاندیداهای حزب کمونیست از کاندیداهای این مرحله بوده‌اند.

* خاویر پریز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارشی به شورای امنیت خواهان عقب نشینی نیروهای اسرائیل از خاک لبنان و استقرار نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در امتداد مرز دو کشور شد. وی ادامه حضور نظامی اسرائیل و مزدورانش تحت عنوان "ارتش جنوب لبنان" به فرماندهی آنتوان لحد را تهدیدی دایمی علیه امنیت و آرامش خواند.

* نیروی هوایی اسرائیل بار دیگر به بیانه انفجار بمبی در بیت المقدس اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی را در لبنان بمباران کرد.

* پنج‌شنبه گذشته آمریکا بیست و دومین انفجار هسته‌ای خود را از هنگام توقف یک‌جانبه آزمایش‌های اتمی اتحاد شوروی، در صحرای نوادا انجام داد. شدت این انفجار ۵۰ کیلو تن و معادل بالاترین حد مجاز طبق قراردادهای موجود بین‌المللی بود.

* در روز شنبه یازدهم اکتبر شبه‌نظامیان سازمان امل با میانجی‌گری سوریه به محاصره اردوگاه‌های فلسطینی در جنوب لبنان پایان دادند. به دنبال دو هفته زد و خورد امل و فلسطینی‌ها، در بیروت اعلام شد در این درگیری‌ها هفت تن کشته و ۴۴ نفر زخمی شدند.

صحنه‌سازی انتخابات در بنگلادش

چهارشنبه گذشته بدنال یک سلسله درگیری‌های خونین میان مردم و نیروهای سرکوبگر رژیم ژنرال ارشاد در بنگلادش که به کشته شدن پنج نفر و مجروح گردیدن بیش از ۲۰۰ تن در آغاز هفته انجامیده بود، "انتخابات" ریاست جمهوری در این کشور برگزار شد. اپوزیسیون بنگلادش با توجه به ادامه حکومت نظامی در این کشور دعوت به تحریم انتخابات ریاست جمهوری کرده بود. گزارش خبرگزاری‌ها حاکی از آن است اکثریت قاطع مردم بنگلادش از دادن رای خودداری کردند. یکی از کارکنان یک حوزه انتخاباتی به خبرنگاران گفت اعضای حزب "جاتیا"ی ژنرال ارشاد، برگه‌های آرا را به درون صندوق‌های ریختند. در یک حوزه دیگر تا بعد از ظهر روز چهارشنبه تنها سه درصد واجدین شرایط رای داده بودند، اما تنها سه ساعت دیگر ۹۰ درصد "آرا" داده شده بود. یکی از کاندیداها گفت که نتوانسته است رای دهد زیرا پیش از آن کس دیگری به جای او رای داده بود!

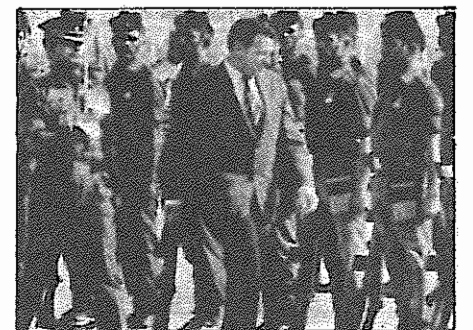
"اتحاد مردمی"، حزب حسنه واجد، دختر مجیب‌الرحمان رهبر فقید جنگ‌های استقلال بنگلادش به اتفاق دیگر احزاب اپوزیسیون اعلام داشتند هدف از صحنه‌سازی انتخابات بنگلادش، زدن رنگ و لعاب "دمکراتیک" به رژیم دیکتاتوری ژنرال ارشاد است که در سال ۱۹۸۲ با یک کودتای نظامی قدرت را در دست گرفت. اپوزیسیون خواهان کناره‌گیری ارشاد و لغو حکومت نظامی است.

در تاریخ هفتم ماه مه سال جاری میلادی که "انتخابات" پارلمان بنگلادش برگزار شده بود، تمهیدات گسترده رژیم اگر چه اکثریت مطلق پارلمانی را برای حزب ژنرال ارشاد تأمین کرده بود اما اپوزیسیون نیز توانست تقریباً نیمی از کرسی‌ها را به خود اختصاص دهد. ارشاد که پیش از آن قول داده بود حکومت نظامی را پس از انتخابات پارلمان لغو کند، با مشاهده موفقیت احزاب مخالف در انتخابات پارلمانی وعده خود را زیر پا گذاشت و انتخابات ریاست جمهوری در شرایط ادامه حکومت نظامی به ریاست خود ارشاد برگزار شد. از این رو بود که احزاب اپوزیسیون دعوت به تحریم انتخابات ریاست جمهوری کردند.

سفر واپسین پرگر به هند

کاسپار واپسین پرگر وزیر دفاع آمریکا بدنال دیدار خود از چین، هفته گذشته وارد دهلی شد. ناظران خاطرنشان ساختند این سفر برای از سرگیری همکاری تسلیحاتی ایالات متحده و هند بدنال ۲۰ سال وقفه، صورت می‌گیرد. سفر واپسین پرگر کامی در جهت اجرای توافق‌های کلی حاصله در دیدار ۱۹۸۵ راجیو گاندی نخست وزیر هند از واشنگتن بود. قرار بود در جریان این سفر، چگونگی تحویل موتورهای جت شرکت آمریکایی جنرال الکتریک برای نصب روی هواپیماهای نظامی هندی تعیین گردد، اما خبرگزاری‌ها گزارش دادند که غرقین نتوانسته‌اند در این مورد به توافق نهایی برسند. این در حالی است که واپسین پرگر در آغاز سفر خود طی دیداری با راجیو گاندی آمادگی واشنگتن برای همکاری تسلیحاتی با هند را اعلام کرده بود.

روزنامه شوروی پر او را در تفسیری خاطرنشان ساخت سیاست خارجی صلح‌دوستانه هند با سیاست آمریکا که باعث پیچیدگی اوضاع در منطقه شده معایر است و از این رو، زمینه‌ای برای گسترش همکاری نظامی میان هند و آمریکا، آن گونه که واپسین پرگر خواهان آن شده است، وجود ندارد. پر او را افزود آمریکا از دادن پیشنهاد تحویل کالاهای نظامی به هند هدف اعمال نفوذ بر سیاست این کشور را دنبال می‌کند.



واپسین پرگر در فرودگاه دهلی از گارد احترام ارتش هندسان می‌پسند.

کنگره جهانی بمناسبت سال بین‌المللی صلح

* هیأتی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
در کنگره جهانی کنه‌هاگ شرکت کرد.

به بحث و تبادل نظر پیرامون مسایل مختلف مبارزه در راه صلح پرداختند. خاویر پرز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد پیامی تلویزیونی برای شرکت‌کنندگان در کنگره فرستاد. اکون واید کامپ شهردار کنه‌هاگ در سخنرانی خود خواهان قطع سابقه تسلیحاتی اتمی شد. هرمود لافوق، دبیرمات پرسابقه دانمارکی و رئیس کنگره، در نطق افتتاحیه‌اش از بی‌نتیجه ماندن مذاکرات ریکیاویک میان گاریچاف و ریتان اظهار تاسف کرد و گفت نتیجه‌ای که باید از این امر گرفت "تشدید تلاش‌ها در جهت بسیج هر چه پیش‌تر شیرو علیه جنون هسته‌ای" است. وی خواهان قطع آزمایش‌های هسته‌ای و عدم اجرای پروژه جنگ ستارگان شد و پیشنهاد کرد کنگره کنه‌هاگ درباره یک کارزار مشترک جهانی برای قطع انفجارهای هسته‌ای به بحث بنشیند.

از روز چهارشنبه پانزدهم تا یکشنبه نوزدهم اکتبر در کنه‌هاگ پایتخت دانمارک کنگره جهانی جمعیت‌ها و سازمان‌های صلح به مناسبت سال بین‌المللی صلح که از سوی سازمان ملل متحد اعلام شده است، برگزار گردید. شعار کنگره از این قرار بود: "حفظ صلح و آینده بشریت". در کنگره کنه‌هاگ بیش از ۲۳۰۰ نماینده، از جمله هیأت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) شرکت کردند.

بلافاصله پس از اجلاس افتتاحیه کنگره، در مراکز مختلف کار کمیون‌ها آغاز شد. از جمله مراکز کار، مرکز زنان بود که به فعالیت‌های مختلف زنان نقاط مختلف جهان برای صلح اختصاص داشت. یکی دیگر از مراکز، "مرکز جوانان" نامگذاری شده بود. نمایندگان جمعیت‌ها و سازمان‌های صلح دوست از ۱۲۲ کشور

جشن صلح، آزادی و همبستگی در یونان



زیبایی نیز برپا گردید. در این غرفه که با شعارهایی در مورد صلح، همبستگی با زندانیان سیاسی ایران و ضرورت سرنگونی رژیم خمینی تزئین شده بود، میز کتاب و نشریات و کارهای دستی ایرانی نیز دایر شده بود. در طی جشن، جوانان پیشگام ضمن افشاکاری در مورد جنایات رژیم خمینی و وضعیت زندانیان سیاسی ایران، مبارزات مردم ایران و رزم شکوهمند فدائیان خلق در راه آرمانهای طبقه کارگر را برای بازدید کنندگان از غرفه پیشگام، تشریح کردند.

در این جشن همچنین، "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران" نیز با برپایی غرفه‌ای و ارائه نشریات، به افشاکاری علیه رژیم خمینی پرداخت.

علاوه بر آن، در شهر سالونیک هم سازمان جوانان حزب کمونیست یونان جشن باشکوهی برگزار کرد. در جشن شهر سالونیک نیز جوانان پیشگام حضور داشتند.

غرفه‌های سازمان جوانان پیشگام در جشن کمونیست‌های جوان یونان در شهرهای آتن و سالونیک مورد بازدید و استقبال گرومی از ایرانیان مقیم یونان نیز قرار گرفت. عکس بالا صحنه‌ای از غرفه جوانان پیشگام را نشان می‌دهد.

جشن سازمان جوانان حزب کمونیست یونان، امسال نیز بزرگترین تجمع سیاسی - فرهنگی این کشور را به نمایش گذاشت. در روزهای ۱۰ تا ۱۴ سپتامبر بیش از ۶۰۰ هزار نفر در این جشن که در سه شهر یونان برگزار گردید شرکت کردند. جشن کمونیست‌های جوان یونان جشن صلح و آزادی و جشن همبستگی با مبارزات ضد امپریالیستی همه خلق‌های جهان بود. این جشن با شعار اصلی "بامبارزه، چپه جدید جوانان اصلی" را برای همبستگی و سوسیالیسم می‌سازیم برگزار شد. در آتن، در محل جشن، ده‌ها غرفه برپا گشته بود که به احزاب و سازمان‌های میهمان اختصاص داشت. در جشن امسال سازمان جوانان کمونیست یونان، نمایندگان سازمان‌های جوانان کشورهای سوسیالیستی و همچنین ۶۲ هیأت نمایندگی از سازمان‌های پیشرو جوانان کشورهای مختلف شرکت داشتند.

در جشن سازمان جوانان حزب کمونیست یونان، سازمان دانشجویان پیشگام ایران نیز حضور داشت و پیام تبریکی نیز از سوی کمیته مرکزی سازمان دانشجویان پیشگام برای سازمان جوانان کمونیست یونان ارسال شد. توسط جوانان پیشگام، غرفه

در صفحه ۱۴ می‌خوانید:

- راه کارگر و مسئله پناهندگان
- اقلیت: مرتجعین در کمین نشسته‌اند
- ۷ کشته، نتیجه آخرین درگیری مسلحانه کومله و حزب دمکرات
- مصاحبه با زرگان با روزنامه کیهان
- تشدید تبلیغات ضد انقلابی سلطنت طلب‌ها

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك (و یا معادل آن گوبین بین‌المللی بستی) به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراك نشریه "کار":	شش ماهه	یک ساله
۱۱ مارك	۱۳ مارك	☐	☐	
۲۱ "	۲۴ "	☐	☐	

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراك نشریه "اکثريت":	سه ماهه	شش ماهه	یک ساله
۲۷ مارك	۳۰ مارك	☐	☐	☐	
۵۲ "	۵۸ "	☐	☐	☐	
۱۰۲ "	۱۱۵ "	☐	☐	☐	

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 129
MONDAY OCT 20, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!